

به کارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و امریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران

سیده‌های نوربخش*

سیدمحمد حسین غفوری**

عباس ملکی***

چکیده

منازعه ایران و امریکا که با انقلاب اسلامی ایران آغاز شده است، در دهه گذشته با محور مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران ادامه یافته است. در این مقاله از نظریه بازی‌ها برای تحلیل این منازعه ۱۳ ساله استفاده شده است. چه آن‌که نظریه بازی‌ها در موارد متعدد کارایی خود را در تحلیل تعارضات نشان داده است. در ابتدای مقاله مثال‌هایی تاریخی از تحلیل تعارضات توسط نظریه بازی‌ها ارائه شده است. سپس این نظریه در تحلیل منازعه ایران و امریکا با محور برنامه هسته‌ای ایران در سه مقطع زمانی ۲۰۰۶، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که چگونه تغییر در ترکیب بازیگران اصلی نظیر ایران، امریکا، روسیه، چین، اروپا و اسرائیل، در هر یک از مقاطع زمانی و تثبیت و یا تغییر در اولویت‌های آنها منجر به نتایج متفاوتی شده است. در انتها نیز نویسندگان براساس نتایج تحلیل، راهکارهایی را برای پرهیز از بازگشت به شرایط گذشته ارائه نموده‌اند.

واژگان کلیدی

منازعه هسته‌ای ایران، نظریه بازی‌ها، تحلیل تعارضات

Email: hadi.noorbakhsh@gmail.com

* دانشجوی دکترا مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت

Email: mhghafoori@gmail.com

** دانشجوی دکترا مدیریت فناوری دانشگاه علامه طباطبایی

Email: maleki@sharif.edu

*** دانشیار سیاستگذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ ارسال: ۹۳/۷/۷

فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۴ / بهار ۱۳۹۴ / صص ۱۳۲-۸۹

جستار گشایی

برنامه هسته‌ای ایران در دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین منازعات بین‌المللی تبدیل شده است. منازعه‌ای که در آگوست ۲۰۰۲ و با علنی شدن توسعه دو سایت جدید هسته‌ای در ایران، ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. بیانیه سعدآباد، توافق‌نامه‌های بروکسل و پاریس در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، پیگیری مذاکرات در ژنو، پاریس و لندن، تشکیل گروه ۵+۱ و نه دور مذاکره این گروه با ایران تا قبل از حصول برنامه جامع اقدام مشترک^۱ بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ (ژنو ۱، ۲ و ۳، استانبول ۱ و ۲، بغداد، مسکو، آلمانی ۱ و ۲)، تصویب ۸ قطعنامه در شورای امنیت علیه ایران در همین فاصله زمانی، سه دور مذاکره در ژنو (اکتبر تا نوامبر ۲۰۱۳) و حصول برنامه جامع اقدام مشترک و پانزده دور مذاکره تا صدور بیانیه سوئیس (وین ۱ تا ۶، نیویورک، وین ۷، مسقط، وین ۸، ژنو ۷ تا ۹ و لوزان ۱ و ۲)، همه حکایت از ابعاد گسترده پرونده هسته‌ای ایران دارد. در این بازه زمانی بیش از ۱۵ طرح توسط طرفین منازعه رد و بدل شد که در موارد محدود مورد توافق طرفین و در بقیه موارد توسط دیگری پذیرفته نشده است (نگاره شماره ۱). در تمامی این سال‌ها جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است که هرگز از فعالیت‌های هسته‌ای خود قصدی غیر از مصارف صلح‌جویانه را دنبال نمی‌کند، اما کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا همچنان اصرار دارند که خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جهان را تهدید می‌کند.

بن‌بست در هفتمین دور از مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در مسکو در ژوئن ۲۰۱۲، پرونده هسته‌ای ایران را وارد ابعاد جدیدی نمود و منجر به آغاز وضع تحریم‌های چندجانبه‌ای شد که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است (موسویان، ۱۳۸۶) و (Torbati & Grove, 2012). بن‌بستی که نهمین دور مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در آلمانی قزاقستان در آوریل ۲۰۱۳ نیز نتوانست گشایشی در آن ایجاد کند (Williams, 2013). اما در ژوئن ۲۰۱۳ و با روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید و تغییر کامل ترکیب گروه مذاکره‌کننده ایران، انتظارات زیادی برای گشایش در پرونده هسته‌ای ایران از سوی صاحب‌نظران و مجامع داخلی و خارجی به وجود آمد. پس از سه دور مذاکرات ایران با ترکیب تیم جدید در ژنو، سرانجام در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، توافقی موقت با عنوان "برنامه جامع اقدام مشترک" حاصل شد. در این توافق طرفین متعهد شدند برای رسیدن به راهکاری اساسی در شش ماه آتی، اقدامات اولیه‌ای را انجام دهند (Irna, 2013). بازه زمانی فوق‌دوبار تمدید شد تا در نهایت در مارس ۲۰۱۵، طرفین با صدور بیانیه‌ای

در لوزان سوئیس، اعلام داشتند که در زمینه مؤلفه‌های مهم برنامه جامع اقدام مشترک به راه‌حلی دست یافته‌اند (EEAS, 2014).

مستقل از تفاسیر مختلفی که از بیانیه سوئیس (به طور ویژه از جانب طرف‌های غربی) وجود دارد و مورد نزاع طرفین است (به طوری که در فکت‌شیت^۲ ارائه شده توسط وزارت خارجه آمریکا و متن بیانیه اختلافات مشخصی وجود دارد)، مجموعه رخدادهایی که در بازه زمانی پس از توافق نوامبر ۲۰۱۳ ژنو اتفاق افتاد؛ نشان داد که منازعه ایران و آمریکا چیزی فراتر از برنامه هسته‌ای ایران است. مواضع مقامات آمریکایی و غربی در طول این دوره علیه جمهوری اسلامی و پیش کشیدن موضوعاتی نظیر برنامه موشکی و طرح اتهامات مکرر همچون حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر از جمله محورهای دیگر این منازعه بوده است. طوری که مقامات آمریکایی اظهار داشتند، حتی رسیدن به توافق، لیست بلندبالای نگرانی‌های آنان در مورد ایران را برطرف نمی‌کند (Earnest, 2015).

پایان منازعه هسته‌ای ایران و آمریکا هرچه که باشد می‌تواند مقدمه‌ای بر سرآغاز تحولات بسیاری در منطقه خاورمیانه و جهان باشد؛ چنان‌که شورای ملی اطلاعات آمریکا در گزارش خود در قالب سناریوهای مختلف به این تحولات اشاره کرده است (U.S. National Intelligence Council, 2012). از سوی دیگر نیز رهبر ایران علی‌رغم اظهار چندین‌باره خوش‌بین نبودن به مذاکره با آمریکا، مذاکرات هسته‌ای را تجربه‌ای می‌دانند که در آن اگر طرف مقابل (آمریکا) از کج‌تابی‌های معمولی خود دست بردارد، می‌شود در موضوعات دیگر هم با آنها مذاکره کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

نگاره شماره (۱) - اهم موارد مطروحه در طرح‌های پیشنهادی طرفین مذاکره از ابتدا تا برنامه جامع اقدام مشترک

مکان	زمان	تقاضای ایران	پیشنهاد ایران	پیشنهاد طرف مذاکره	تقاضای طرف مذاکره	مذاکره کننده ارشد ایران	طرف مذاکره کننده
تهران	اکتبر ۲۰۰۳	R Y NC NWFZ S	ES TAP T	R Y NC NWFZ S	ES TAP T	حسن روحانی	EU3
بروکسل	فوریه ۲۰۰۴	R Y CF NC	SCMA TAP T	R Y CF NC	ES TAP T		

		ES TAP T P	R Y S WTO	ES P TAP T C S	R Y S WTO	نوامبر ۲۰۰۴	پاریس	
		پذیرفته نشد		C S Z NWFZ	R S	ژانویه ۲۰۰۴	ژنو	
		پذیرفته نشد		EC P ST3.5 TAP T C	R NC NFS Z NWFZ	مارس ۲۰۰۵	پاریس	
		پذیرفته نشد		ES3.5 P C TAP T S	R NC Z	آوریل ۲۰۰۵	لندن	
		PES TAP T C NC	NFS NC S Z WTO	پذیرفته نشد		اگوست ۲۰۰۵	بروکسل	
	P5+1	علی لاریجانی	بدون پاسخ		T C ME NWFZ	R	سپتامبر ۲۰۰۵	نیویورک
			ES3.5 P TAP T	UNSC NC NFS Z AV	پذیرفته نشد		ژانویه- اگوست ۲۰۰۶	تهران/ وین
		سعید جلیلی	پذیرفته نشد		T NC S	R	می ۲۰۰۸	تهران
			ES3.5	NC NFS S Z WTO	TAP T	R UNSC SA SF	ژانویه- اگوست ۲۰۰۸	تهران/ ژنو
			ST3.5<70%	NFS20	تقاضای تغییر		اکتبر ۲۰۰۹	ژنو
پذیرفته نشد			ST3.5<50%	NFS20	می ۲۰۱۰	تهران		
		ES20 ST20 F	NFS20 M NC Z	T C NC S	R UNSC SA NC Z S	آوریل- ژانویه ۲۰۱۲	استانبول/ بغداد/ مسکو	

		ES20 part of ST20 FM TAP T	NFS20 SG SF M NC AV	ES20 SCI T	R SA	فوریه- آوریل ۲۰۱۳	آلمانی
	جواد ظریف	C ES ST20 AR CA P T	R Y SF SG SE(partial) AV	T AR EC SCI ES>5%	R SA Y	اکتبر- نوامبر ۲۰۱۳	ژنو
توضیح علائم							
<p>مشوق‌های اقتصادی/امنیتی WTO عضویت در سازمان تجارت جهانی S همکاری امنیتی Z همکاری اقتصادی AV تأمین قطعات یدکی هواپیما</p> <p>تحریم‌ها</p> <p>SA لغو تمامی تحریم‌ها SE لغو تحریم‌های مالی SF توقف تحریم‌های جدید SG لغو تحریم‌های پتروشیمی و طلا</p> <p>شفافیت</p> <p>T همکاری کامل با آژانس TAP تصویب پروتکل الحاقی</p>	<p>چرخه سوخت هسته‌ای (ادامه) AR توقف عملیات نیروگاه اراک P پلوتونیم PES نداشتن چرخه سوخت CA توقف فعالیت‌های مرتبط با افزایش ظرفیت NFS/20 سوخت هسته‌ای ۲۰٪ < سوخت غنی شده</p> <p>جنبه‌های قانونی</p> <p>C تعهد به عدم توسعه سلاح هسته‌ای CF بسته شدن پرونده در آژانس NWFZ خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای UNSC عدم ارجاع به شورای امنیت Y مختومه نمودن پرونده هسته‌ای</p>	<p>چرخه سوخت هسته‌ای EC امکان غنی‌سازی ES % سقف غنی‌سازی درصد مشخص شده F برچیدن تأسیسات فردو FM اصلاح در تأسیسات فردو M همکاری برای ساخت ایزوتوپ‌های دارویی ME غنی‌سازی چندملیتی در ایران NC همکاری هسته‌ای R به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران RSCI توقف نصب سانتریفیوژها SCMA توقف تولید و مونتاژ سانتریفیوژها % < ST3.5 انتقال درصد مشخص شده از اورانیوم غنی شده ۳,۵ درصد به کشور ثالث و تبدیل آن به سوخت % < ST20 انتقال درصد مشخص شده از اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد به کشور ثالث و تبدیل آن به سوخت</p>					

اهم تعهدات طرفین در برنامه جامع اقدام مشترک - نوامبر ۲۰۱۳		
گروه ۱+۵	ایران	
۷. تعلیق تحریم خطوط هوایی به ویژه ایران ایر	۱۰. در اراک آب سنگین به تأسیسات حمل نمی‌شود.	۱. ۱۹۶ کیلوگرم مواد ۲۰ درصد ایران کلاً خنثی می‌شود (نیمی از آن قابل غنی‌سازی مجدد)
۸. عدم اعمال تحریم جدید در شورای امنیت	۱۱. هیچ نوع فعالیت بازفرآوری انجام نمی‌شود.	۲. غنی‌سازی بالای ۵ درصد کلاً تعلیق می‌شود.
۹. عدم اعمال تحریم جدید در اروپا	۱۲. هیچ نوع تأسیسات بازفرآوری ساخته نمی‌شود.	۳. فعالیت در اراک و نطنز و فردو گسترش نمی‌یابد.
۱۰. عدم اعمال تحریم جدید در امریکا	۱۳. راکتور اراک سوخت‌گذاری نمی‌شود.	۴. در نطنز ماشین جدید نصب نمی‌شود.
۱۱. ایجاد یک کانال مالی با استفاده از عواید نفتی خود ایران که در خارج از این کشور مسدود شده برای خرید محصولات خوراکی و کشاورزی، دارو، ادوات پزشکی و خسارات پزشکی که در خارج بر ایران تحمیل شده است.	۱۴. سوخت جدید برای راکتور اراک تولید نمی‌شود.	۵. ماشین‌های جدید نصب شده ولی فعال نشده، فعال نمی‌شود.
	۱۵. سوخت تولید شده برای راکتور اراک تست نمی‌شود.	۶. ماشین‌های خراب در فردو و نطنز صرفاً با ماشین‌هایی از همان نوع جایگزین می‌شود.
	۱۶. مواد ۵ درصد بیش از ۱۰ هزار کیلوی فعلی که در آینده تولید می‌شود اکسید خواهد شد.	۷. ۴ آبشار در فردو اورانیوم را تا ۵ درصد غنی می‌کند.
	۱۷. اطلاعات مربوط به طرح و نقشه‌های ایران برای تأسیسات هسته‌ای به آژانس ارائه می‌شود.	۸. ۱۲ آبشار دیگر در فردو فعال نمی‌شود.
	۱۸. توصیف و شرحی کامل از ساختمان هر یک از سایت‌های هسته‌ای ارائه می‌شود.	۹. در فردو ارتباطی بین آبشارها برقرار نمی‌شود.
	۱. فراهم کردن امکان ماندن صادرات نفت ایران در حد فعلی و توقف روند کم کردن ۲۰ درصد از آن هر ۶ ماه و دریافت مقدار مورد توافقی از پول نفتی که از این پس فروخته می‌شود.	
	۲. برقراری بیمه حمل و نقل برای صادرات نفت ایران با میزان فعلی	
	۳. تعلیق تحریم صادرات پتروشیمی ایران	
	۴. تعلیق تحریم طلا و فلزات گران بها	
	۵. تعلیق تحریم خودرو	
	۶. تعلیق تحریم قطعات هواپیما	

(Irna, 2013) و (NuclearEnergy.ir, 2015)

نگاره شماره (۲) - اهم مفاد بیانیه لوزان

اهم مفاد بیانیه لوزان و جزییات مورد توافق طرفین - مارس ۲۰۱۵	
ایران	گروه ۱+۵
۱. محدودیت سطح غنی‌سازی ایران در دوره زمانی مشخص (حداقل ۱۰ سال ۳/۶۷ درصد)	۱. خاتمه تحریم‌های اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران
۲. محدودیت ظرفیت غنی‌سازی ایران در دوره زمانی مشخص (۱۰ سال، ۵۰۶۰ سانتریفیوژ فعال در نطنز از نوع IR-1، ۱۰۴۴ سانتریفیوژ در فردو بدون غنی‌سازی)	۲. توقف تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه امریکا مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران همزمان با اجرای تعهدات ایران به نحوی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی آزمایی شود
۳. محدودیت میزان ذخایر اورانیم غنی شده ایران در دوره زمانی مشخص (حداقل تا ۱۰ سال، ۳۰۰ کیلوگرم)	۳. صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت با محور لغو تمامی قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت مرتبط با موضوع هسته‌ای ایران و اتخاذ برخی تدابیر محدودیت ساز مشخص برای دوره زمانی مورد توافق (حداقل ۱۰ سال)
۴. تبدیل فردو از یک سایت غنی‌سازی به مرکز هسته‌ای، فیزیک و فناوری	۴. همکاری بین‌المللی با ایران در حوزه‌های تحقیق و توسعه در سایت فردو
۵. حذف مواد شکافت پذیر در فردو (حداقل ۱۰ سال)	۵. مشارکت در بازرراحی راکتور آب سنگین اراک
۶. بازرراحی راکتور تحقیقاتی پیشرفته آب سنگین اراک به گونه‌ای که پلوتونیوم با قابلیت تسلیحاتی در آن تولید نگردد. باز فرآوری صورت نپذیرد و سوخت مصرف شده صادر نگردد (حداقل ۱۰ سال)	۶. مشارکت ایران در همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز شامل ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و راکتورهای تحقیقاتی، ایمنی و امنیت هسته‌ای
۷. پذیرش و اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران و استفاده آژانس از فناوری‌های مدرن نظارتی و نیز دسترسی‌های توافق شده بیشتر برای روشن کردن موضوعات گذشته و حال	۷. امکان تحقیق و توسعه غنی‌سازی در ایران بر روی ماشین‌های سانتریفیوژ بر اساس جدول زمانی و سطح توافق شده

(منبع: یافته‌های تحقیق)

برای تحلیل منازعه هسته‌ای ایران و امریکا می‌توان از ابزارهای متعددی کمک گرفت. در این میان نظریه بازی‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی ریاضی، کاربردی گسترده در تحلیل و حتی پیش‌بینی منازعات پیدا کرده است. هدف از این تحقیق، تحلیل وضعیت گذشته و فعلی منازعه ایران و امریکا با محور برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود. در گام اول ابتدا به معرفی مبانی کلی نظریه بازی‌ها خواهیم پرداخت. سپس ضمن مروری بر منازعات مشابه و استفاده از نظریه بازی‌ها در تحلیل آنها، به بسط موضوع مورد تحقیق خواهیم پرداخت. در قدم

آخر منازعه ایران و امریکا در موضوع هسته‌ای را مدل خواهیم نمود و وضعیت آن در سه مقطع زمانی ۲۰۰۷، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ را تبیین و تحلیل خواهیم کرد.

۱-۱. نظریه بازی‌ها

نظریه بازی‌ها،^۳ روش تحلیل ریاضی-منطقی است. استعاره واژه بازی، برای توصیف مدل‌دهی موقعیت به کار گرفته شده است تا به تصمیم رسید. گرچه این نظریه از علم ریاضی دریافت شده، اما تأثیر غیرقابل انکاری در علوم دیگر داشته است؛ طوری که تاکنون پنج جایزه نوبل اقتصاد را از آن خود نموده است. نظریه بازی‌ها، به ما اجازه جمع‌آوری شواهدی برای تصمیمات مهم می‌دهد. این تصمیمات مهم می‌توانند تأثیر زیادی بر آینده داشته باشند. رویکرد و پردازش مسائل موجود به‌تنهایی، خط افق ذهنی‌مان را گسترش داده و به‌موجب آن نیز محدوده‌های راه‌حل مسائل گسترده‌تر می‌شوند. بازی، شامل تعداد زیادی از بازیگران یا عوامل و مجموعه مشخصی از قوانین است که با هدف تصمیم‌گیری، بهینه می‌شود (ملکی، ۱۳۹۱).

در نظریه بازی‌ها با استفاده از مدل‌های ریاضی، به تحلیل تصمیم‌گیری در شرایطی که بیش از یک تصمیم‌گیرنده وجود دارد و تصمیم هر یک از آنها به روی منافع و تصمیم سایرین تأثیر می‌گذارد، پرداخته می‌شود. در هر بازی تلاش می‌شود نقطه‌ای پیدا شود که تمامی بازیگران به حداکثر رضایت دست یابند. این بدان معنا است که نقطه‌ای وجود داشته باشد که هیچ‌کدام از بازیگران از تغییر یک‌جانبه استراتژی خود عایدی بیشتری کسب نکند. به این نقطه، نقطه تعادل^۴ گفته می‌شود (Schmidt, 1995).

در نظریه بازی‌ها تعداد مختلفی از بازی‌ها وجود دارد که براساس ویژگی‌های هر بازی طبقه‌بندی می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **تعداد بازیگران:** در نظریه بازی‌ها هرکسی که در بازی تصمیمی می‌گیرد و یا در مقابل تصمیم دیگری تأثیری می‌پذیرد، بازیگر است. مشخصاً حداقل تعداد بازیگران ۲ است و هرچه بازیگران بیشتری وجود داشته باشد، تحلیل بازی پیچیده‌تر خواهد بود.
- **استراتژی‌های هر بازیگر:** هر بازیگر در بازی انتخاب خود را از میان مجموعه‌ای از اقدامات که استراتژی شناخته می‌شود انجام می‌دهد.
- **ترتیبی / همزمان:**^۵ یک بازی ترتیبی است، اگر هر بازیگر استراتژی خود را پس از بازیگر دیگر انتخاب کند. در غیر این صورت بازی همزمان است. بازی‌های همزمان را معمولاً به صورت ماتریسی و بازی‌های ترتیبی را به صورت درختی نمایش می‌دهند.

3. Game Theory

4. Equilibrium Point

5. Simultaneous / Sequential

– **مجموع صفر / مجموع غیر صفر**؛ در بازی‌های مجموع صفر، سود یک بازیکن دقیقاً با زیان بازیکن دیگر به همان میزان همراه است. به عبارت ساده‌تر یک بازی مجموع صفر یک بازی برد-باخت مانند دوز است و به ازای هر برنده همواره یک بازنده وجود دارد. اما در بازی‌های مجموع غیر صفر، راهبردهایی وجود دارد که برای همه بازیکنان سودمند است.

– **با آگاهی کامل / بدون آگاهی کامل**؛ یک بازی با آگاهی کامل است، اگر یک بازی ترتیبی باشد و در آن هر بازیگر استراتژی انتخاب شده توسط بازیگر قبل از خود را بداند.

برای داشتن شهود بیشتر از مقدمه مطروحه، به ذکر یکی از مثال‌های تحلیل منازعه با نظریه بازی‌ها می‌پردازیم. در اکتبر ۱۹۶۲ دولت آمریکا از طریق تصاویر هوایی و سایر اطلاعات کسب شده، کشف کرد که شوروی در خاک کوبا در فاصله ۱۴۵ کیلومتری آمریکا تجهیزات پرتاب موشک‌های هسته‌ای مستقر کرده است. از آن‌جا که مشخصاً این اقدام تهدیدی جدی برای ایالات متحده قلمداد می‌شد، آمریکا خواستار برچیده شدن فوری تجهیزات نصب شده و توقف کامل عملیات استقرار را داشت. از سوی دیگر هرگونه واکنش اشتباه از سوی دوطرف جهان را در آستانه یک جنگ هسته‌ای قرار می‌داد. در آن زمان ایالات متحده آمریکا و شوروی هریک دو استراتژی پیش رو داشتند. آمریکا از یک سو می‌توانست با ترتیب دادن یک حمله هوایی گسترده علیه سایت موشکی شوروی در کوبا، تمامی تجهیزات آن را نابود کند که این پیشنهاد به صورت کاملاً جدی از سوی مشاوران کنندی رییس‌جمهور وقت مطرح گردید. استراتژی دیگر پیشنهادی محاصره دریایی جزیره کوبا و جلوگیری از نصب موشک‌های جدید بود که در این حالت درخواست آمریکا مبنی بر برچیدن تأسیسات قبلی نصب شده نیز به قوت خود باقی می‌ماند. اما استراتژی‌های شوروی واضح بود، این کشور یا بایستی به نگهداری و استقرار موشک‌های خود در کوبا ادامه می‌داد و یا این تجهیزات را برمی‌چید. مجموعه استراتژی‌های این دو بازیگر در نگاره شماره (۳) آمده است. در این نگاره اعداد داخل پرانتز میزان سود هر یک از بازیگران در قبال وضعیت مشخص شده را نشان می‌دهد که در آن عدد سمت راست مربوط به آمریکا و عدد سمت چپ مربوط به شوروی است)

نگاره شماره (۳) - بازیگران، استراتژی‌های آنان و نتایج انتخاب‌ها در مثال بحران موشکی کوبا

شوروی		بازیگر / استراتژی	
حفظ تأسیسات موشکی	برچیدن تأسیسات موشکی		
۲- پیروزی شوروی (۱-۱)	۱- مصالحه (۰ و ۰)	محاصره دریایی کوبا	امریکا
۴- جنگ هسته‌ای (۱۰-۱۰)	۳- پیروزی امریکا (۱ و ۱)	حمله هوایی	

بازی در بحران موشکی کوبا یک بازی غیرهمزمان، مجموع غیرصفر و بدون آگاهی کامل است که در آن دو بازیگر و هریک با دو استراتژی بازی می‌کنند. در این بازی با توجه به اینکه بازیگران از استراتژی طرف دیگر اطلاع ندارند، براساس حالات انتخاب طرف مقابل، استراتژی خود را بهینه می‌کنند. برای یافتن نقطه تعادل چنین استدلال می‌شود: در نقطه ۲ هستیم، زیرا شوروی بخشی از تأسیسات موشکی خود را در کوبا مستقر کرده و امریکا هنوز تصمیمی اتخاذ نکرده است. در این حالت امریکا بایستی بازی کند و استراتژی خود را انتخاب کند، اگر امریکا استراتژی حمله هوایی انتخاب کند، سود هر دو کشور از وضعیت فعلی به ۱۰- کاهش می‌یابد. از آنجایی که همه بازیگران در انتخاب‌های خود به دنبال حداکثر سود خویش هستند، لذا بازی از نقطه فعلی به سمت این نقطه حرکت نخواهد کرد. اگر امریکا استراتژی محاصره دریایی را برگزیند، سود امریکا در بازی به ۱ افزایش یافته، سود شوروی از ۱ به صفر کاهش می‌یابد و بازی به نقطه ۱ می‌رود. در این حالت شوروی استراتژی جایگزینی ندارد که با اتخاذ آن بتواند سود خود را بیشتر کند و لذا بازی در این نقطه متوقف می‌شود. این مدل‌سازی بسیار ساده، یکی از مهم‌ترین بحران‌های دوران جنگ سرد بوده است که با انتزاع از واقعیت موجود، به تحلیل و پیش‌بینی سرنوشت منازعه با نظریه بازی‌ها می‌پردازد. منازعه‌ای که در نهایت نیز با محاصره دریایی جزیره کوبا توسط ارتش امریکا و برچیده شدن تمامی تجهیزات استقرار یافته در کوبا توسط شوروی پایان یافت. اما استفاده از مدل‌های مبتنی بر نظریه بازی‌ها در تحلیل و پیش‌بینی منازعات بین‌المللی در عین اینکه بسیار متداول بوده و سابقه‌ای تاریخی دارد، از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. در نگاره شماره (۴) به‌عنوان نمونه تنها به تعدادی از این منازعات که به‌طور ویژه در منطقه خاورمیانه اتفاق افتاده‌اند و یا از نظر موضوع با منازعه ایران و امریکا مشابهت داشته‌اند، اشاره شده است. این منازعات در منابع اشاره شده با مدل‌های مبتنی بر نظریه بازی‌ها تحلیل شده است. همچنین در این نگاره وضعیت تطبیق تحلیل یا پیش‌بینی با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده است نیز قابل مشاهده است.

ذکر این نکته الزامی است که قابلیت و کارایی نظریه بازی‌ها به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به آینده محدود است. نتایج، به علت بازنمود کاملاً ساده از موقعیت به‌عنوان بازی، می‌تواند برای فرایندهای واقعی تا اندازه‌ای محدود شوند. موقعیت‌های کاملاً پیچیده به بازی جامع تقلیل می‌یابند. عیب دیگر نظریه بازی‌ها این است که تصمیمات منطقی فرض می‌شوند، درحالی‌که ممکن است در واقعیت بازیگران صرفاً عقلایی عمل نکنند (ملکی، ۱۳۹۱). با این حال کارآمدی این ابزار در موارد متعددی که در باره آن صحبت خواهد شد، نشان داده شده است.

همان‌گونه که در نگاره (۴) قابل مشاهده است، موسوی و نوروزی در پژوهش خود، به تحلیل پرونده هسته‌ای ایران با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها پرداخته‌اند (Mousavi & Norouzi, 2010). آنان با در نظر گرفتن ایران و آمریکا به‌عنوان بازیگران اصلی در پژوهش خود، منازعه دو کشور بر سر موضوع هسته‌ای ایران را با یافتن نقطه تعادل در حالت بازی ساده در قالب سناریوهای مختلف تحلیل نموده‌اند. اما سلسله اتفاقاتی که از سال ۲۰۰۷ آغاز شد، موجب گردید که نقش کشورهای غربی به رهبری آمریکا (که به‌عنوان بازیگر اصلی در مقابل ایران در نظر گرفته می‌شد)، در پرونده هسته‌ای کم‌رنگ شود و علاوه بر اتحادیه اروپا و آمریکا بازیگران دیگری مانند روسیه، چین و اسرائیل نیز در این منازعه نقش‌آفرینی کنند. گرچه همواره نقش آمریکا در منازعه هسته‌ای ایران پررنگ‌تر از سایرین بوده است، اما برای ارائه تحلیل‌های دقیق‌تر باید نقش بازیگران دیگر و اثرگذاری آنها در سرنوشت این پرونده در نظر گرفته شود. لذا در این پژوهش در گام اول منازعه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶، با در نظر گرفتن ایران و آمریکا (رهبر طرف مقابل ایران)، به‌عنوان بازیگران اصلی تحلیل شده و با آنچه در واقعیت رخ داد مقایسه شده است (یک بازی با ۲ بازیگر، ۴ استراتژی، ترتیبی، مجموع غیرصفر و با آگاهی کامل). در گام دوم ضمن در نظر گرفتن بازیگران اصلی مقابل ایران (آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلستان به رهبری آمریکا)، روسیه و چین (در قالب شورای امنیت) و اسرائیل نیز به‌عنوان بازیگران جدید افزوده شده است. در این گام تعادل سال ۲۰۱۳ مورد تحلیل قرار گرفته است (یک بازی با ۴ بازیگر، ۱۵ استراتژی، ترتیبی، مجموع غیرصفر و با آگاهی کامل). در انتها و در گام سوم با تغییر مجدد بازی و ترکیب بازیگران به شرحی که تحلیل خواهد شد، منازعه ایران و آمریکا برای سال ۲۰۱۵ مدل شده است. (یک بازی با ۲ بازیگر، ۴ استراتژی، ترتیبی، مجموع غیرصفر و با آگاهی کامل).

نگاره شماره (۴) - استفاده از مدل‌های مبتنی بر نظریه بازی‌ها در منازعات منطقه

خاورمیانه و منازعات مشابه

عنوان	توضیح	بازیگران در نظر گرفته شده	هدف مدل‌سازی	زمان ارائه مدل	سال پایان	تعلیق نتایج با واقعت	توضیح و منبع
منزعه فرماغ	نزاع آذربایجان و ارمنستان برای مالکیت	شوروی، دولت آذربایجان، مردم آذربایجان و دولت و مردم ارمنستان و طرفداران الحاقی به ارمنستان	تحلیل رخداد	۱۹۹۰	۱۹۹۰	تطبیق کامل	{Fraser et al, 1990}
منزعه فرماغ	نزاع آذربایجان و ارمنستان برای مالکیت	شوروی، دولت آذربایجان، طرفداران الحاقی به ارمنستان، دولت ارمنستان، جبهه ملی آذربایجان	پیش‌بینی	۱۹۹۰	۱۹۹۲	عدم تطبیق	به دلیل فروپاشی یکباره شوروی به‌عنوان بازیگر اصلی پیش‌بینی، {Fraser et al, 1990} محقق نشد.
نزاع هسته‌ای آمریکا و کوبا	نزاع بر سر فرارگیری موشک‌های هسته‌ای کوبا در مرز آمریکا	آمریکا و شوروی	تحلیل رخداد	۲۰۰۱	۱۹۶۲	تطبیق کامل	{Brams, 2001}
توسعه برنامه ملی دفاع موشکی آمریکا	نمایش آمریکا بر بی‌افزایش قدرت بازدارندگی در حملات موشکی و هسته‌ای و ایجاد رقابت هسته‌ای در سایر کشورها	آمریکا و سایر کشورهای دارای سلاح هسته‌ای (به‌عنوان بازیگر مقابل)	تحلیل	۲۰۰۳	ادامه دارد	تطبیق نسبی	افزایش رقابت هسته‌ای - موفقیت آمریکا تنها در صورت کارآمدی {Powell, 2003} کامل برنامه دفاع موشکی در مقابل تهدیدات هسته‌ای
پرونده سلاح‌های شیمیایی عراق	منزعه آمریکا و عراق بر سر سلاح‌های شیمیایی این کشور	آمریکا و عراق	تحلیل	۲۰۰۹	۲۰۰۳	تطبیق کامل	{Jakobsen & Jakobsen, 2009}
پرونده هسته‌ای ایران	نزاع ایران و آمریکا بر سر توقف برنامه هسته‌ای ایران	ایران و آمریکا	تحلیل رخداد	۲۰۱۰	۲۰۰۳	تطبیق کامل	{Mousavi & Norouzi, 2010}
پرونده هسته‌ای ایران	نزاع ایران و آمریکا بر سر توقف برنامه هسته‌ای ایران	ایران و آمریکا	پیش‌بینی	۲۰۱۰			{Mousavi & Norouzi, 2010} نتایج مختلف مبتنی بر سناریوهای احتمالی
منزعه رود نیل	نزاع کشورهای بالادستی و پایین‌دستی رود نیل بر سر منابع آبی	مصر، سوئدان، اتیوپی و سایر کشورهای بالادستی (مجموع ۴ بازیگر)	پیش‌بینی	۲۰۱۱			تأکید بر ناپایداری وضعیت فعلی، نقش پررنگ مصر در تمامی حالات {Madini et al, 2011} و نقش کورنگ سوئدان و اتیوپی
جنگ اول کشمیر	نزاع هند و پاکستان برای تسلط بر منطقه کشمیر	هند و پاکستان	تحلیل رخداد	۲۰۱۱	۱۹۴۸	تطبیق کامل	{Goel, 2011}
منزعه اسرائیل و فلسطین	نزاع بر سر مالکیت مناطق اشغال‌شده توسط اسرائیل	اسرائیل و فلسطین	پیش‌بینی	۲۰۱۱			تأکید بر پایداری وضعیت فعلی در مناطق اشغالی، ادامه انتفاضی {Goel, 2011} اسرائیل و حملات دو طرف

۲. منازعه هسته‌ای ایران (۲۰۰۶)

در این بخش ابتدا بازیگران و استراتژی آنها در منازعه هسته‌ای ایران معرفی می‌شود. پس از آن با شناسایی و انتخاب نقطه تعادل، نتایج تحلیل خواهد شد.

۲-۱. تعیین بازیگران و استراتژی‌ها

با تصویب اولین قطعنامه درباره موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت در سال ۲۰۰۶، (قطعنامه ۱۶۹۶) مبنی بر درخواست توقف غنی‌سازی اورانیوم، پرونده هسته‌ای ایران ابعاد جدیدی به خود گرفت (Security Council, 2006a). به طوری که تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ در همان سال، آغازی بر اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران بود (Security Council, 2006 b).

در این وضعیت ایران و آمریکا به عنوان بازیگران اصلی این منازعه می‌توانستند استراتژی‌های مختلفی را در پیش بگیرند که در نگاره شماره (۵) قابل مشاهده است. دلیل اینکه از آمریکا به‌عنوان بازیگر اصلی مقابل ایران یاد می‌شود، این است که هماهنگ‌سازی جامعه جهانی علیه ایران برای اعمال تحریم‌های بیشتر همواره توسط آمریکا صورت پذیرفته و همچنان ادامه دارد. حتی در جریان توافقنامه‌های سعدآباد، بروکسل و پاریس که میان وزرای خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان به نمایندگی از اتحادیه اروپا و ایران صورت پذیرفت، آمریکا با ایجاد فشار به اروپا این موضوع را طرح کرده بود که آنان در مذاکره با ایران چیزی به دست نیاورده‌اند. درحالی‌که آمریکا با مذاکرات پشت پرده با لیبی و تهدید آن کشور توانسته بود

تمامی تجهیزات هسته‌ای لیبی را جمع‌آوری و به کشور خود منتقل کند (روحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰۹). به این ترتیب حتی در برهه‌هایی که نقش بازیگری دیگر مانند اروپا می‌توانست پررنگ‌تر شود، سایه حضور و سلطه آمریکا به‌طور کامل وجود داشته است. طرح حمله احتمالی نظامی نیز همواره توسط آمریکا بیان شده و به‌عنوان گزینه روی میز کاخ سفید از آن یاد می‌شود (البته به‌طور خاص از سال ۲۰۱۰، طرح حمله نظامی مستقلاً توسط اسرائیل نیز مطرح شده است که در بخش ۳ به آن اشاره خواهیم کرد).

نگاره شماره (۵) - استراتژی‌های ایران و آمریکا در منازعه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶

بازیگر و استراتژی	توضیح
آمریکا	
۱. اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران (استراتژی تحریم)	این انتخاب شامل دو گروه از تحریم‌ها خواهد بود. افزایش تحریم‌هایی که آمریکا خود رأساً اقدام به اجرایی کردن آن‌ها خواهد نمود و تحریم‌های بین‌المللی که آمریکا تلاش می‌کند جامعه جهانی را برای انجام تحریم‌هایی سراسری و هماهنگ هدایت کند.
۲. حمله نظامی برای از بین بردن برنامه هسته‌ای (استراتژی نظامی)	حمله نظامی برای از بین بردن برنامه هسته‌ای می‌تواند از حمله محدود تا سراسری متفاوت باشد. اما با توجه به شرایط؛ محتمل‌ترین گزینه تأسیسات هسته‌ای (استراتژی نظامی برای آمریکا در آن زمان که درگیر دو جنگ عراق و افغانستان بوده است، حمله نظامی محدود به حمله) تأسیسات هسته‌ای است.
ایران	
۳. توقف غنی‌سازی اورانیوم این توقف می‌توانست در سطوح مختلفی صورت پذیرد اما در سطح حداقلی مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ مدنظر (استراتژی توقف)	است.
۴. تشدید فعالیت‌های هسته‌ای (استراتژی تشدید)	این تشدید به معنی تلاش برای افزایش سطح غنی‌سازی از سطح ۳.۵ درصد در آن زمان خواهد بود.

علاوه بر استراتژی‌های مطروحه در نگاره شماره (۵)، می‌توان فرض کرد که استراتژی‌های دیگر آمریکا این بوده است که هر دو استراتژی تحریم و حمله عملیاتی شود (مدتی تحریم و سپس حمله) و یا اینکه هیچ‌کدام رخ ندهد (عقب‌نشینی آمریکا از مواضع خودش و اجازه به ایران برای غنی‌سازی). همچنین برای ایران می‌توان حالتی را متصور بود که نه اقدام به تشدید کند و نه اینکه استراتژی توقف را برگزیند. از آنجایی که تمامی حالات اشاره شده به‌صورت اتخاذ/عدم اتخاذ چهار استراتژی اصلی در است، این استراتژی‌ها به‌صورت مستقل طرح نشده است.

همان‌گونه که در مشاهده می‌شود، ۱۲ حالت مختلف برای بازی می‌توان متصور بود. در این جدول اتخاذ هر استراتژی با عدد ۱ و عدم اتخاذ آن با عدد صفر نشان داده شده است. برای مثال حالت شماره ۷ در جدول، در صورتی در دنیای واقعی رخ می‌دهد که آمریکا استراتژی سوم خود یعنی تحریم و حمله توأم را انتخاب کند و در مقابل ایران هم استراتژی اول خود یعنی توقف غنی‌سازی را برگزیند. در این جدول برای هر کدام از حالات نام مناسبی نیز انتخاب شده است.

نگاره شماره (۶) - حالات مختلف بازی با اتخاذ استراتژی‌های مختلف توسط ایران و آمریکا (۲۰۰۶)

حالات		نتایج											
۱-۹ ۱۰	حمله	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱
	تحریم	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱
۱۱-۱۲ ۱۳	توقف	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰
	تشدید	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عنوان حالت	حفظ وضعیت موجود	حمله و واکنش	تحریم و واکنش	حمله و عدم واکنش	اجتناب و توقف	تحریم و توقف	تحریم و توقف	اجتناب و توقف	حمله و توقف	تحریم و توقف	تحریم و توقف	اجتناب و تشدید	حمله و تشدید
	تحریم و تشدید	حمله و تشدید	تحریم و تشدید	حمله و تشدید	اجتناب و تشدید	تحریم و تشدید	تحریم و تشدید	اجتناب و تشدید	حمله و تشدید	تحریم و تشدید	تحریم و تشدید	اجتناب و تشدید	حمله و تشدید
شماره حالت	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	

۲-۲. شناسایی نقطه تعادل

برای یافتن نقطه تعادل بازی باید حالتی را بیابیم که در آن هیچ‌کدام از دو بازیگر یعنی ایران و آمریکا تمایلی برای تغییر استراتژی خود نداشته باشند. برای این منظور باید از دید هرکدام از دو بازیگر به صحنه بازی نگاه کنیم. هرکدام از دو بازیگر می‌توانند استراتژی خود را برحسب منافع مرتب کنند؛ زیرا از بین هر دو حالت یکی از آنها نسبت به دیگری مطلوب‌تر است.

با توجه به رویکرد کلی آمریکا که تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران را حتی به قیمت جنگ تمام‌عیار خواستار بود (Ross, 2012)، می‌توان گفت که به‌طور کلی تمام حالات توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران نسبت به عدم واکنش و نیز عدم واکنش به تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ترجیح دارد. بنابراین، ترجیحات آمریکا در سه گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند. در اولویت‌های آمریکا از ۱ تا ۱۲ مرتب شده‌اند که در آن ابتدا ۴ حالت توقف برنامه هسته‌ای (اولویت ۱ تا ۴ آمریکا شامل حالات ۴ تا ۷)، سپس چهار حالت عدم واکنش ایران (اولویت ۵ تا ۸ آمریکا شامل حالات ۰ تا ۳) و در نهایت چهار حالتی که در آن ایران بخواهد برنامه هسته‌ای‌اش را تشدید کند (اولویت ۹ تا ۱۲ آمریکا شامل حالات ۸ تا ۱۱) قابل مشاهده است.

نگاره شماره (۷) - ترتیب اولویت‌های آمریکا

اولویت	گروه اول (توقف ایران)	گروه دوم (اجتناب ایران)	گروه سوم (تشدید ایران)
۱	۲	۱	۱۰
۲	۳	۲	۹
۳	۴	۳	۸
۴	۵	۴	۷
۵	۶	۵	۶
۶	۷	۶	۵
۷	۸	۷	۴
۸	۹	۸	۳
۹	۱۰	۹	۲
۱۰	۱۱	۱۰	۱
۱۱	۱۲	۱۱	۰
۱۲	۱۳	۱۲	۰

برای تعیین اینکه در هر یک از این سه گروه، حالات نسبت به یکدیگر چه اولییتی دارند، باید آنها را دو به دو مقایسه کرد. در گروه اول (۴ حالتی که در آن ایران برنامه هسته‌ای‌اش را متوقف می‌کند) یعنی در حالاتی که ایران استراتژی توقف را انتخاب نموده است، راه‌حل کم‌هزینه‌تر ترجیح دارد؛ چراکه آمریکا با هزینه کم‌تری به هدف خود که تعلیق فعالیت‌های

هسته‌ای ایران بوده دست یافته است. بنابراین اجتناب بر تحریم و تحریم بر حمله مقدم است (مقدم بودن حالت ۴ بر ۶ و ۶ بر ۵). اما در حالاتی که ایران نسبت به توقف غنی‌سازی اقدام نکند و یا فعالیت هسته‌ای‌اش را تشدید کند، اجتناب در اولویت آخر امریکا خواهد بود (اولویت حالات ۹، ۱۰، و ۱۱ بر ۸ و نیز ۱، ۲ و ۳ بر ۰). زیرا این برای امریکا که خود را مسئول نظم جهانی معرفی کرده به این معنی است که از تنبیه تهدیدکننده نظم جهانی اجتناب کرده است (Ross, 2012). علاوه بر این، در حالت عدم واکنش و اجتناب ایران به غیر از عدم واکنش امریکا که در رده آخر قرارداد، بازهم از میان راه‌های باقی‌مانده راه‌حل کم‌هزینه‌تر در اولویت است. بنابراین به غیر از حالت اجتناب و عدم واکنش که در جایگاه آخر این گروه قرار می‌گیرد، حالات ۲ و ۱ و ۳ رتبه اول این گروه خواهند بود. اما در حالت تشدید ایران (بازهم با فرض توان کافی امریکا برای حمله به ایران)، اوضاع کاملاً متفاوت است. امریکا تمام توان خود را برای مقابله به کار خواهد گرفت و در نتیجه اولویت‌ها کاملاً معکوس خواهد شد (جنگ بر تحریم و تحریم بر اجتناب ترجیح دارد).

اما از دید ایران، موضوع متفاوت است. اگر بخواهیم که نگاره شماره (۷) را براساس اولویت‌های ایران بازنویسی کنیم، باید بگوییم از آنجایی که در منازعه هسته‌ای ایران رهبر انقلاب ایران به‌عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیر، تعیین‌کننده سیاست‌های کلی است، باید براساس صحبت‌های ایشان اولویت‌های اصلی را تعیین کرد (قانون اساسی، اصل ۱۱۰). لذا اولاً با توجه به اظهارات ایشان مبنی بر عدم امکان عقب‌نشینی از مواضع به هر قیمتی و ادامه راهی که در هسته‌ای شدن ایران در پیش گرفته شده است (تشدید)، این نتیجه حاصل می‌شود که تمام حالات تشدید فعالیت هسته‌ای برای ایران در اولویت اول قرارداد (اولویت ۱ تا ۴ ایران شامل حالات ۸ تا ۱۱)، بعد از آن تمامی حالاتی قرار می‌گیرند که تغییری در وضع فعلی تأسیسات هسته‌ای ایران داده نشود (اولویت ۵ تا ۸ ایران شامل حالات ۰ تا ۳) و در نهایت نیز تمام حالاتی که توقف غنی‌سازی در دستور کار قرار گیرند، در اولویت آخر خواهند بود (اولویت ۹ تا ۱۲ ایران شامل حالات ۴ تا ۷).

بر این اساس کل حالات به سه گروه چهارتایی تقسیم می‌شوند. در مورد رتبه‌بندی درون‌گروهی به نظر می‌رسد در هر گروه، حالتی که کم‌هزینه‌تر باشد برای ایران در اولویت خواهد بود. لذا در هر حالت، عدم واکنش امریکا نسبت به تحریم، تحریم نسبت به حمله و حمله نسبت به تحریم و حمله هم‌زمان اولویت خواهد داشت، پس می‌توان گفت جدول اولویت‌های ایران به شرح نگاره شماره (۸) خواهد بود.

نگاره شماره (۸) - ترتیب اولویت‌های ایران

گروه سوم				گروه دوم				گروه اول				
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	اولویت
۷	۵	۶	۴	۳	۱	۲	۰	۱۱	۹	۱۰	۸	حالت

با این تفاسیر اکنون براساس اولویت‌های تعیین‌شده توسط طرفین باید توان شناسایی نقطه تعادل را داشته باشیم، یکی از حالات ۱۲ گانه که هیچ‌کدام از دو بازیگر به علت واکنش‌های ممکن برای طرف مقابل علاقه‌ای به رفتن به حالتی با اولویت بالاتر را نداشته باشد.

۳-۲. انتخاب نقطه تعادل

به ازای هر استراتژی بازیگر مقابل، اولویت‌های کشور دیگر براساس راهکارهایی که در اختیار دارد برای جایگزینی تعیین می‌شود. برای مثال در حالتی که ایران در استراتژی توقف قرار دارد، امریکا چهار انتخاب می‌تواند داشته باشد (اجتناب، تحریم، حمله، تحریم و حمله توأم که به ترتیب معادل حالات ۴ و ۶ و ۵ و ۷ در نگاره شماره ۶ هستند). این یعنی در صورتی که ایران استراتژی جمع‌آوری را انتخاب کند، امریکا بسته به اینکه چه واکنشی را انتخاب کند، در واقع یکی از این چهار کار را انجام خواهد داد.

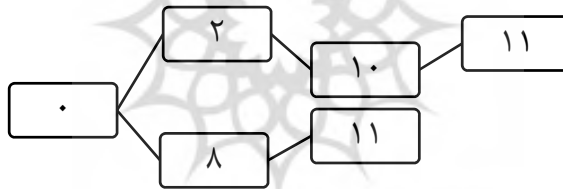
از طرف دیگر در نگاره شماره (۷) اولویت‌های امریکا در رخ دادن وقایع مشخص شده بود، بنابراین در حالتی که مثلاً ایران استراتژی تسلیم را برگزیده است، برای امریکا حالت ۷ در اولویت اول است، پس امریکا فوراً در این حالت قراری‌گیرد و حالات ۴، ۶ و ۵ را اختیار نمی‌کند. به همین ترتیب در نگاره شماره (۹) ازای تمام حالاتی که می‌توان فرض کرد ایران در آن قرارگیرد، ترتیب اولویت اصلی جایگزین برای امریکا تعیین شده است (براساس نگاره شماره ۷) و متقابلاً به ازای تمام حالاتی که می‌توان فرض کرد امریکا در آن قرارگیرد، اولویت‌های جایگزینی برای ایران مشخص شده است (نگاره شماره ۸).

نگاره شماره (۹) - اولویت‌های ایران و امریکا در حالت‌های مختلف نسبت به استراتژی انتخاب‌شده توسط بازیگر مقابل

امریکا												
۴	۶	۵	۷	۲	۱	۳	۰	۱۱	۹	۱۰	۸	استراتژی انتخابی ایران
-	۴	۴	۴	-	۲	۲	۲	-	۱۱	۱۱	۱۱	جایگزین اصلی امریکا
ایران												
۸	۱۰	۹	۱۱	۰	۲	۱	۳	۴	۶	۵	۷	استراتژی انتخابی امریکا
-	-	-	-	۸	۱۰	۹	۱۱	۸	۱۰	۹	۱۱	جایگزین اصلی ایران

بنابراین هم‌اکنون مشخص شده است در صورتی که هر بازیگر بخواهد استراتژی‌ای را در پیش بگیرد، بازیگر مقابل چه واکنشی از خود نشان خواهد داد. حال کافی است که با شروع از یک استراتژی مشخص، واکنشی را که بازیگر مقابل در پیش می‌گیرد تعیین کنیم. این کار تا زمانی صورت می‌گیرد که هیچ‌کدام از دو بازیگر امکان رفتن به حالت بهتری را نداشته باشند و بازی در همان نقطه متوقف شود.

شکل شماره (۱) - استراتژی اتخاذ شده توسط هر بازیگر براساس اولویت و وضعیت فعلی (۲۰۰۶)



(توضیحات شکل: خطوطی که به سمت پایین رفته‌اند اولویت جایگزینی ایران را نشان می‌دهند و خطوطی که به سمت بالا متمایل هستند اولویت جایگزینی امریکا را نشان می‌دهند)

برای یافتن نقطه تعادل بازی را از نقطه صفر آغاز می‌کنیم. در این حالت مطابق ستون پنجم نگاره شماره ۹، امریکا براساس اولویت‌های خودش باید فوراً بازی را به حالت ۲ ببرد (حالتی که تحریم صورت می‌گیرد و واکنشی هم از سوی ایران نشان داده نمی‌شود) این در حالی است که مطابق ستون ۱۲ همین جدول، اولویت بعدی ایران حالت ۸ است. در شکل شماره (۱) خطوطی که به سمت پایین رفته‌اند اولویت بعدی ایران را نشان می‌دهند و خطوطی که به سمت بالا رفته‌اند، اولویت بعدی امریکا را نشان می‌دهند. در جایی که بازیگر انتخاب جایگزین نداشته باشد، بازی در همان نقطه متوقف می‌شود و لذا بازی را تغییر نمی‌دهد.

براساس نظریه بازی‌ها اگر به نقطه‌ای برسیم که هر دو بازیگر جایگزینی نداشته باشند، به همان نقطه تعادل رسیده‌ایم.

همان‌طور که در این شکل نشان داده شده است، نقطه ۱۱ نقطه‌ای است که هیچ‌کدام از دو طرف جایگزینی را برای آن سراغ ندارند. بنابراین بازی به حالت ۱۱ منتقل خواهد شد، حالتی که برای هر دو طرف هیچ جایگزین مطلوب‌تری وجود ندارد. این حالت همان حالت تحریم، تشدید و حمله است.

۲-۴. تحلیل نتیجه

آنچه در واقعیت در پرونده هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ رخ داد، تشدید فعالیت هسته‌ای توسط ایران و افزایش مرحله‌به‌مرحله و مداوم تحریم‌های امریکا و شورای امنیت علیه ایران بود. اما چرا علی‌رغم اینکه مدل ریاضی نقطه ۱۱ (تشدید، تحریم و حمله) را به‌عنوان نقطه تعادل معرفی می‌کند درحالی‌که تاکنون جنگی رخ نداده، نیاز به توضیحات بیشتری دارد.

از سال ۲۰۰۶، مطالب فراوانی چه در داخل ایران و چه در نشریات بین‌المللی در مورد قصد امریکا برای حمله به ایران منتشر می‌شد. این حمله تاکنون محقق نشد اما انتشار کتاب "لحظات تصمیم‌گیری" نوشته جورج بوش (رئیس‌جمهور وقت امریکا) در سال ۲۰۱۰، درواقع مهر تأییدی بر تمامی این فرضیات بود. وی در کتاب خود به‌صراحت اشاره کرده که در سال ۲۰۰۶ به پنتاگون دستور داده است تا برنامه حمله به تجهیزات نظامی ایران را طرح‌ریزی کند (Bush, 2010).

اینکه چرا طرح حمله به ایران محقق نشد، نیاز به تحلیل‌های جامعی دارد. برخی از کارشناسان عقیده دارند نبرد ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان و پی‌بردن اسرائیل به قدرت موشکی حزب‌الله (به‌عنوان شریک استراتژیک ایران)، عامل کلیدی در بازدارندگی نبرد علیه ایران بوده است (Bush, 2010) و (Somflavi, 2012). زیرا به ادعای سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان مبنی‌بر اینکه جنگ با اسرائیل با حمایت ایران صورت پذیرفته است و نیز طرح علنی مسئله حمایت همه‌جانبه از لبنان و حماس علیه اسرائیل توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران، درواقع نبرد اسرائیل با لبنان نبرد با ایران بوده است (نصرالله، ۱۳۹۰) و (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰). مرکز پژوهش‌های مجلس ایران در گزارشی مستقل تحت عنوان "برآورد احتمال حمله امریکا به ایران در آخرین ماه حکومت بوش (موافقان و مخالفان)" به بررسی کامل این موضوع پرداخته است. افزایش مشکلات امریکا در عراق، ترس از افزایش وحدت ملی و جوشش احساسات وطن‌دوستی ایرانیان، گزارش ۱۶ نهاد اطلاعاتی امریکا در سال ۲۰۰۷ مبنی‌بر عدم توسعه هرگونه برنامه سلاح هسته‌ای در ایران از سال ۲۰۰۳ و در نهایت انتخاب اوباما به‌عنوان

رئیس‌جمهور جدید امریکا از جمله دلایل عدم حمله امریکا به ایران بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷).

۳. منازعه هسته‌ای ایران - ۲۰۱۳

پس از تحلیل ارائه‌شده برای منازعه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶، در این بخش با تبیین شرایط موجود در سال ۲۰۱۳، حالات بازی و ترجیحات بازیگران تشریح خواهد شد، سپس منازعه ایران و امریکا در این مقطع با محور برنامه هسته‌ای ایران با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها تحلیل خواهد شد.

۳-۱- تعیین بازیگران و استراتژی‌ها

بحران اقتصادی اروپا، امریکا و از سوی دیگر رشد اقتصاد روسیه و چین در دهه اول قرن جدید، در مقابل کاهش تراز اقتصادی کشورهای اروپایی و امریکا و پیش‌بینی‌ها برای تبدیل چین به ابرقدرت اقتصادی در دو دهه آینده، در کنار حق وتوی این دو کشور در شورای امنیت، نقش آنها را در اثرگذاری در منازعات بین‌المللی به‌ویژه پرونده هسته‌ای ایران پررنگ‌تر نمود (U.S. National Intelligence Council, 2012). این موضوع زمانی روشن می‌شود که موارد متعدد مخالفت روسیه و چین با قطعنامه‌های پیشنهادی اروپا و امریکا در سازمان ملل را مشاهده می‌کنیم (Nahory, 2010).

بن‌بست معارضان سوری پس از چند سال جنگ داخلی در این کشور، پیروزی‌ها و بازپس‌گیری مناطق تحت اشغال معارضان توسط دولت سوریه و ادامه حاکمیت اسد برای دوره سوم ریاست جمهوری نیز یکی دیگر از عوامل قدرت گرفتن بازیگرانی نظیر روسیه بود؛ خصوصاً از آن جهت که روسیه و ایران حامی حکومت بشار اسد بوده‌اند و امریکا و اروپا عملاً در جبهه نبرد غیرمستقیم در سوریه به پیروزی دست نیافتند.

نکته کلیدی در مورد روسیه و چین این است که این دو کشور در واقع از طریق شورای امنیت امکان اعمال فشار معنادار به امریکا را داشتند؛ چراکه در حال تجربه تاریخی نشان داده است که امریکا برای همراه کردن جامعه جهانی در حمله به کشورها تلاش خود را به کار می‌گیرد. برای مثال بوش در جریان حمله به عراق جمله معروف خود را مبنی بر اینکه هر که با ما نیست بر ماست را به کار برد تا نشان دهد که حتی در آن شرایط هم همراهی جامعه جهانی برای امریکا اهمیت دارد. هرچند این اجماع از طریق تهدید میسر شود (Bush, 2001).

در ژانویه ۲۰۰۶، چین، روسیه و امریکا به سه کشور اروپایی که تا آن زمان طرف مذاکره‌کننده ایرانی بودند پیوستند. تا قبل از این زمان به شرحی که در بخش قبل تحلیل شد،

سه کشور اروپایی متأثر از امریکا بودند. لذا اضافه شدن چین و روسیه به مذاکرات به عنوان دو کشوری که منافع مشترک بیشتری با ایران داشتند، می‌توانست وزنه را به نفع ایران تغییر دهد. لذا برخی اذعان می‌دارند که این پیشنهاد ایران بوده است که چین و روسیه نیز به مذاکرات اضافه شوند (میرحسینی، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، اختلاف در سیاست‌ها میان سردمداران اسرائیل و سران امریکا در سال‌های گذشته تا حدی افزایش یافت که تا امروز نیز ادامه داشته است. این شکاف اسرائیل را در برخی موارد به سمت استقلال در تصمیم‌گیری سوق داد؛ به‌گونه‌ای که تل‌آویو در مواضع خود اعلام کرد برای حمله به ایران نیازی به اجازه امریکا نخواهد داشت (Netanyahu, 2012).

بنابراین در سال‌های پس از ۲۰۰۶، بازی میان ایران و امریکا علاوه بر اینکه پیچیده‌تر شد، حالت‌های بیشتری را به خود گرفت؛ دارای اولویت‌های متفاوتی شد و بازیگران جدیدی را نیز پذیرفت که تا حدودی در بازی اثرگذار بوده‌اند و برای تحلیل دقیق‌تر باید در نظر گرفته شوند. لذا می‌توان گفت که جدول حالت‌های ممکن برای سال ۲۰۱۳، به شکل نگاره شماره (۱۰) تغییر کرده است. توضیحات مربوط به این جدول و اولویت‌های بازیگران در ادامه به تشریح بیان خواهند شد.



نگاره شماره (۱۰) - بازیگران و استراتژی‌های قابل اتخاذ توسط هر یک از آنان

توضیح	بازیگر و استراتژی
ایران	
۱- عقب‌نشینی در برنامه هسته‌ای	این امر می‌تواند راهکاری واسط برای اعتمادسازی و دستیابی به توافقات بین‌المللی آتی باشد (نظیر آنچه در توافق‌نامه سعدآباد اتفاق افتاده است). عقب‌نشینی در اینجا به معنی توقف موقت برخی واحدها، تغییرات تکنولوژیک و یا غنی‌سازی در سطحی پایین‌تر است.
۲- تشدید برنامه هسته‌ای	در این مرحله تشدید به معنی افزایش غنای اورانیوم است.
۳- تشدید حمایت از مخالفان غرب و اسرائیل	این استراتژی می‌تواند به‌طور ویژه در لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و کشورهای عربی صورت پذیرد. هدف اصلی این کار منحرف کردن موضوع از سمت ایران و به جهت امتیاز گرفتن برای افزایش قدرت چانه‌زنی در پذیرش ایران توسط جامعه جهانی به‌عنوان قدرت هسته‌ای است.
۴- بستن تنگه هرمز	اخلال در صادرات نفت ایران گزینه بستن تنگه هرمز را استراتژی‌ای فعال می‌کند.
۵- حمله موشکی و سراسری به مواضع متحدان آمریکا (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم)	مستقل از اینکه حماس و حزب‌الله در جنگ احتمالی به یاری ایران بشتابند، اکنون ایران می‌تواند با توان موشکی خود به این حمله دست بزند. همچنین اگر همسایگان ایران مانند ترکیه، آذربایجان و ... خاک خود را در اختیار آمریکا برای حمله به ایران قرار دهند این تهدید متوجه آنان نیز خواهد بود.
آمریکا (رهبری جریان کشورهای غربی)	
۶- کاهش تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌ها	این کاهش مرحله به مرحله و به‌تناسب عقب‌نشینی ایران از مواضع و برنامه هسته‌ای خود رخ خواهد داد. این عقب‌نشینی الزاماً به معنی تعلیق کامل برنامه هسته‌ای نیست. همچنین محدود به برنامه هسته‌ای نیست و ممکن است مطالبات دیگری ما به ازای آن از ایران درخواست شود.
۷- تشدید تحریم‌های داخلی و بین‌المللی علیه ایران	تحریم‌ها شامل تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران، هدایت جامعه جهانی برای اعمال تحریم‌های بیشتر و نیز تحریم کشورهای که ناقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران هستند (مانند روسیه و چین) خواهد بود. مطابق آنچه تاکنون در مورد ایران رخ داده است، اروپا را همسو با آمریکا فرض می‌کنیم.
۸- جلوگیری از صادرات و واردات انرژی ایران از طریق خلیج فارس	
۹- حمله محدود (مواضع هسته‌ای)	
۱۰- حمله هوایی گسترده	
۱۱- تهاجم سراسری شورای امنیت (با محور روسیه و چین)	در تمامی حالات تهاجم، ناتو و اسرائیل می‌توانند مشارکت داشته باشند.
۱۲- هماهنگی با سیاست‌های غرب و آمریکا در تحریم ایران	این امر در صورت وجود منافع برای هر یک از این دو کشور صورت خواهد پذیرفت.
۱۳- عدم هماهنگی با سیاست‌های غرب و آمریکا در تحریم ایران	
اسرائیل	
۱۴- حمله محدود (مواضع هسته‌ای به‌صورت مستقل)	
۱۵- آسیب‌رسانی، حملات سایبری، ترور دانشمندان هسته‌ای	

۳-۲. استراتژی‌ها و حالات بازی

همان‌طور که در بخش قبل هم دیده شد، هرکدام از متغیرهای ۱۴گانه مذکور در نگاره شماره ۱۰ امکان دریافت یکی از حالات ۰ یا ۱ را خواهند داشت، اما در دنیای واقعی عملاً بسیاری از حالات امکان هم‌زمانی به صورت منطقی را ندارند و یا اینکه حالاتی آشکارا برتر از آنها هستند. لذا همان‌طور که در نگاره شماره ۱۱ می‌بینیم، درنهایت تنها ۴۰ حالت متصور خواهد بود.

نگاره شماره (۱۱) - حالاتی از بازی که در عمل امکان رخ دادن دارند

وضعیت / متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۳	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۹	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۱۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۱۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۳	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۵	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۶	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۷	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۸	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۱۹	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۳	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۵	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۶	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۷	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۸	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۲۹	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۳	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۴	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۵	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۶	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۷	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۸	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۳۹	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۴۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۴۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱
۴۲	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱

برای روشن‌تر شدن مطلب مثال ساده‌ای را در نظر بگیرید. اصولاً امکان اینکه ایران هم‌زمان هم فعالیت‌های خود را تعلیق کند و هم تشدید، وجود ندارد. بنابراین این دو متغیر

هرگز به صورت همزمان ۱ نخواهند شد. اما سایر مواردی که توضیح آنها به نگاره شماره ۱۱ کمک می‌کند، به شرح زیر هستند:

- ماندن در وضعیت بدون تغییر برای ایران بی‌معنا است چراکه حفظ وضعیت موجود (یعنی نه تشدید و نه عقب‌نشینی) انتظارات غرب را برآورده نمی‌کند و آنها بر عقب‌نشینی ایران از برنامه هسته‌ای خود اصرار دارند، اما ایران مطابق خواست سال‌های گذشته تمایل به تکمیل برنامه هسته‌ای دارد. لذا حالتی که تمام متغیرهای ایران ۰ باشند، مطرح نمی‌شود (زیرا اگر غرب هنوز با ایران مقابله نکرده که در این حالت تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ارجح است و در حالت مقابله، اقدام متقابل در دستورکار ایران قرار خواهد گرفت. به این ترتیب عدم واکنش در اولویت‌های کشور ایران نخواهد بود).
- پذیرش ایران هسته‌ای در چارچوب‌های بین‌المللی، در واقع همان حالتی است که آمریکا هیچ کاری انجام ندهد. گرچه چنین اقدامی می‌تواند گونه‌ای زمینه‌چینی برای حالتی باشد که در آن ایران به توافقی جامع در مورد همه مسائل نظیر سوریه، فلسطین، عراق، حزب‌الله لبنان و اسرائیل دست یابد. اما با توجه به تأکید رهبری جمهوری اسلامی بر این موضوع که مذاکرات با ۱+۵ صرفاً بر سر موضوع برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود و نیز صراحت رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه اگر آمریکا می‌توانست تمامی پیچ و مهره‌های هسته‌ای ایران را باز می‌کرد، این موضوع از اولویت آمریکا خارج است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، (آیت‌الله خامنه‌ای، ب ۱۳۹۲) و (Goodenough, 2013). لذا این حالت در نظر گرفته نشده است.
- همان‌طور که ذکر شد، روسیه و چین در قالب شورای امنیت در تغییر رویکرد غرب و آمریکا علیه ایران نقش بازی می‌کنند و البته آنان در هر شرایطی به دنبال منافع خود هستند. همچنین این دو کشور با اقدامات یک‌جانبه مخالف هستند. لذا از شورای امنیت برای مقابله با اقدامات یک‌جانبه آمریکا و اسرائیل بهره‌برداری می‌کنند. از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل برای حفظ اجماع جهانی به همسویی شورای امنیت با خودشان اهمیت می‌دهند، هرچند که ممکن است برخلاف نظرات و مصوبات این شورا نیز عمل کنند. چنان‌که در دو جنگ عراق و افغانستان این موضوع رخ داد.
- تجربه تاریخی نشان می‌دهد که تمام حالتی که ایران در آن به گسترش برنامه هسته‌ای خود اقدام کرده، با پاسخ متقابلی از جانب کشورهای غربی در لوای شورای امنیت یا آمریکا به صورت مستقل مواجه شده است. اعلام نصب و راه‌اندازی اولین زنجیره ۱۶۴ تایی سانتریفیوژها و تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در آوریل ۲۰۰۶ توسط ایران و

تصویب قطعنامه‌های ۱۶۹۶ در جولای ۲۰۰۶ توسط شورای امنیت، عدم توقف غنی‌سازی در ایران و تصویب قطعنامه‌های ۱۷۳۷ در دسامبر ۲۰۰۶ و ۱۷۴۷ در مارس ۲۰۰۷، اعلام راه‌اندازی ۳۰۰۰ سانتی‌فیوژ در نظنز و تولید اورانیم غنی شده در مقیاس صنعتی در آوریل ۲۰۰۷ و تصویب قطعنامه‌های ۱۸۰۳ در مارس ۱۸۳۵ در سپتامبر ۲۰۰۸ و اعلام تولید اورانیم در ایران با غنای ۲۰ درصد در فوریه ۲۰۱۰ و تصویب قطعنامه ۱۹۲۹، دربردارنده سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در ژانویه ۲۰۱۰، نمونه‌هایی از پاسخ‌های متقابل غرب به اقدامات ایران است. لذا حالاتی که در آن ایران دست به گسترش فعالیت‌های خود بزند و سایر بازیگران نسبت به آن واکنشی نداشته باشند، در نظر گرفته نشده است.

- در صورت تقویت مخالفان غرب توسط ایران، ممکن است با تحریم‌های جدی‌تر و یا حتی بستن جریان صادرات و واردات ایران توسط شورای امنیت موافقت شود، اما گزینه جنگ تمام‌عیار تاکنون از سوی شورای امنیت مطرح نشده است. البته در سال‌های اخیر ایران خود به حمایت از مخالفان اسرائیل اعتراف کرده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰)، اما با واکنشی بیش از تحریم مواجه نشده است. با این وجود اینکه این شورا از حمله محدود دفاع کند، به صورت قطعی دور از ذهن نیست. لذا این حالات گنجانده شده‌اند، اما موافقت شورا با بیش از این، ممکن به نظر نمی‌رسد. البته در حالتی که ایران پا را از این فراتر بگذارد و تنگه هرمز را هم ببندد، عملاً اجماع جامعه جهانی را علیه خود ایجاد کرده است و تنها ممکن است گزینه جنگ تمام‌عیار محل شک باشد.

- زمانی که علناً ایران وارد هرگونه جنگی شود، اسرائیل، شورای امنیت و غرب همگی در کنار یکدیگر علیه ایران متحد خواهند شد و لذا فرض حالتی غیر از این برای موارد ۲۳ تا ۴۰ بعید به نظر می‌رسد (البته به‌جز جنگ تمام‌عیار علیه ایران در صورتی که ایران هنوز وارد جنگ تمام‌عیار نشده است که می‌توان احتمال آن را به‌عنوان یک حالت در نظر گرفت).

- تمام حالاتی که در آنها عقب‌نشینی در برنامه هسته‌ای و عدم تقویت مواضع مخالفان غرب از سوی ایران و فشاری از سوی غرب وجود داشته باشد، در نظر گرفته نشده است. به این معنی که با ۱ شدن عقب‌نشینی ایران در برنامه هسته‌ای، کاهش تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌ها ۱ می‌شود. منطقی بودن این فرض از دو زاویه قابل دفاع است. اول اینکه در موضوعی نظیر برنامه هسته‌ای لیبی که از برخی جهات شبیه به موضوع برنامه هسته‌ای ایران بوده است، با عقب‌نشینی کشور لیبی از برنامه هسته‌ای خود (برچیدن

تمامی تأسیسات هسته‌ای)، فشارها و تحریم‌ها از این کشور برداشته شده است (Davenport, 2014). زاویه دوم نیز هزینه‌های تحریم ایران و تشدید آن برای طرف‌های غربی است. برآوردها نشان می‌دهد از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲، هزینه تحریم ایران برای آمریکا بین ۱۳۴/۷ تا ۱۷۵/۳ میلیارد دلار بوده است. همچنین هزینه تحریم ایران تنها در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ برای آلمان، بین ۲۳/۱ تا ۷۳، برای ایتالیا بین ۱۳/۶ تا ۴۲/۸ و برای فرانسه بین ۱۰/۹ تا ۳۴/۲ میلیارد دلار بوده است. به‌طور کلی اتحادیه اروپا در مجموع دو برابر آمریکا از تحریم ایران متضرر شده است (Leslie & etc, 2013).

اما در حالت قبل اسرائیل آسیب‌رسانی، حملات سایبری و ترور دانشمندان هسته‌ای را همچنان برای از بین بردن دانش هسته‌ای در ایران می‌تواند در دستور کار داشته باشد. همچنین در این حالت همراهی یا عدم همراهی شورای امنیت (با محور روسیه و چین) بی‌معنا خواهد بود.

متغیرهای مربوط به شورای امنیت به‌گونه‌ای است که تنها و تنها در هر لحظه یکی از آنها می‌تواند ۱ باشد (شورا نمی‌تواند همزمان مخالف و موافق باشد).

حالت حمله اسرائیل با توجه به گفته‌های مقامات ارشد این کشور می‌تواند بدون همکاری آمریکا هم صورت گیرد و زمانی هم که حمله اسرائیل صورت گیرد، تفاوتی ندارد که ترورها و سایر فشارها هم در جریان باشند یا خیر چون نهایتاً می‌توان آن را هم بخشی از حمله دانست (Netanyahu, 2012).

با توجه به اینکه ایران در وضعیت تحریم سراسری قرار دارد، در نظر گرفتن حالاتی که جنگی وجود داشته باشد و تحریم وجود نداشته باشد، ممکن نیست.

در عمل هرگونه گسترش در مقوله جنگ و تشدید فعالیت‌ها حالات قبلی خود را هم در برمی‌گیرد و لذا مثلاً با ۱ شدن جنگ تمام‌عیار برای آمریکا متغیرهای قبلی هم ۱ خواهند شد. همچنین است در مورد متغیرهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ که وضعیت عمل ایران را نشان می‌دهند.

در زمان حمله تمام‌عیار به ایران، عدم مقابله این کشور بی‌معنا خواهد بود و از طرف دیگر حمله اسرائیل با توجه به مواضع صریح حکومت ایران در این ارتباط، هرگز بدون جواب نخواهد ماند (Hitchcock, 2013, p.224).

با توجه به اینکه فعالیت آسیب‌رسانی در این بازه زمانی توسط اسرائیل در جریان بوده است، حالاتی که این متغیر ۰ باشد، برای اسرائیل در نظر گرفته نشده است.

۳-۳. ترجیحات بازیگران و استراتژی‌های جایگزین

براساس تمام حالاتی که ذکر شد، مانند بررسی‌ای که برای سال ۲۰۰۶ صورت گرفت، ترتیب اولویت‌های هر کدام از بازیگران در رخ دادن وضعیت‌ها به شرح نگاره شماره (۱۲) خواهد بود.

۳-۳-۱. ایران

در سال ۲۰۱۳، ایران با توجه به هزینه‌هایی که تا به آن زمان انجام داده بود، کماکان ترجیح می‌داد که با کم‌ترین هزینه گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را تسریع دهد. همان‌طور که در بخش قبل هم اشاره شد، ایران این راه را به‌عنوان یک راه بدون بازگشت معرفی کرده بود و با وجود تحریم‌های متعدد، از سوی رهبری ایران تغییری در این مواضع ذکر نشده بود. حتی در توافقی‌نامه‌هایی نظیر سعدآباد، رهبری ایران همواره از عقب‌نشینی‌های صورت گرفته به‌عنوان تجربه یاد کرده است و نه اینکه چنین عقب‌نشینی‌ای را سیاست دائم ایران ذکر کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ب ۱۳۹۲). همچنین ایشان در مواضع خود تأکید کرده بود که هرگونه حمله به ایران با شدیدترین پاسخ روبه‌رو خواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای، پ ۱۳۹۲). بنابراین اولویت‌های ایران در مبدأ زمانی اشاره شده براساس کم‌ترین هزینه و همچنان ادامه دادن و تشدید فعالیت‌های هسته‌ای تنظیم شده بود.

بنابراین به غیر از حالت ۳۹ تا ۴۲ که در آن ایران استراتژی عقب‌نشینی از برنامه هسته‌ای با تعریف ارائه‌شده را پذیرفته است و آخرین اولویت‌های ایران است، تمام حالاتی که در مقابل تشدید فعالیت‌های ایران تحریم صورت می‌گیرد، بر تمام حالاتی که در قبال تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران جلوگیری از صادرات و واردات آن صورت می‌گیرد، ارجح است. همچنین است ترجیح تمام حالات جلوگیری از صادرات و واردات ایران بر حمله محدود و تمام حالات حمله محدود بر حمله هوایی و حمله هوایی بر تهاجم سراسری از سوی غرب بر همین اساس وجود خواهد داشت.

در مورد ترجیحات و استراتژی جایگزین در هر حالت، با توجه به تجربه تاریخی و نیز سخنان رهبری و مقام‌های نظامی ایران، در مقابل هر اعمال فشار از سوی غرب ایران یک گام جلوتر عمل می‌کند. به این دلیل است که می‌بینیم هنگامی که علیه ایران تحریم صورت گرفته است، تقویت مواضع مخالفان غرب در خارج از کشور (سوریه، لبنان، عراق و...) شدت گرفته است. همچنین ایران تهدیدهای غرب را با تهدید بستن تنگه هرمز پاسخ داده است (Wright, 2010, p.270). لذا در صورتی که غرب به سمت جلوگیری از صادرات و واردات حرکت کند، ایران بستن تنگه هرمز را در دستور کار قرار خواهد داد و در صورتی که فشار از این هم بیشتر شود و کوچک‌ترین حمله‌ای به ایران صورت گیرد، ایران وارد حمله موشکی و سراسری به مواضع

متحدان امریکا خواهد شد. در نگاره شماره (۱۲) استراتژی‌های جایگزین ایران در هر حالت، براساس اولویت‌های مطروحه قابل مشاهده است.

نگاره شماره (۱۲) - حالات و استراتژی‌های جایگزین بازیگران

حالت	استراتژی جایگزین				حالت	استراتژی جایگزین			
	ایران	آمریکا	اسرائیل	شورا		ایران	آمریکا	اسرائیل	شورا
۱	۱۱	-	-	-	۲۲	۳۸	۱۲	۲۱	-
۲	۱۲	-	۱	-	۲۳	۳۶	۲۷	-	-
۳	۲۵	۱	-	-	۲۴	۳۶	۲۸	۲۳	-
۴	۲۶	۲	۳	-	۲۵	۳۸	۲۷	-	-
۵	۳۶	۱	-	-	۲۶	۳۸	۲۸	۲۵	-
۶	۳۶	۲	۵	-	۲۷	۳۶	-	-	-
۷	۳۷	۱	-	-	۲۸	۳۶	-	۲۷	-
۸	۳۷	۲	۷	-	۲۹	۳۷	۲۷	-	-
۹	۳۸	۱	-	-	۳۰	۳۷	۲۸	۲۹	-
۱۰	۳۸	۲	۹	-	۳۱	۳۸	۲۷	-	۳۳
۱۱	-	-	-	-	۳۲	۳۸	۲۸	۳۱	۳۴
۱۲	-	-	۱۱	-	۳۳	۳۸	۲۷	-	-
۱۳	۲۵	۱۱	-	۱۵	۳۴	۳۸	۲۸	۳۳	-
۱۴	۲۶	۱۲	۱۳	۱۶	۳۵	۳۵	۳۸	-	-
۱۵	۲۵	۱۱	-	-	۳۶	-	۳۸	-	-
۱۶	۲۶	۱۲	۱۵	-	۳۷	-	۳۸	-	-
۱۷	۳۶	۱۱	-	-	۳۸	-	۳۸	-	-
۱۸	۳۶	۱۲	۱۷	-	۳۹	۱۱	-	-	-
۱۹	۳۷	۱۱	-	-	۴۰	۱۱	-	۳۹	-
۲۰	۳۷	۱۲	۱۹	-	۴۱	۱۱	۴۲	-	-
۲۱	۳۸	۱۱	-	-	۴۲	۱۱	-	-	-

۳-۳-۲. امریکا (رهبری جریان کشورهای غربی)

در مورد امریکا باید گفت که این کشور هم ترجیح جدی می‌دهد که با کم‌ترین هزینه ایران را به عقب‌نشینی مجبور سازد، لذا عقب‌نشینی ایران و عدم اقدام امریکا در اولویت اول و کاهش تحریم‌ها در اولویت بعدی قرار دارد. اما اگر ایران عقب‌نشینی نکند و فعالیت‌های خود را تشدید کند و یا کمک‌های محدود به مخالفان امریکا انجام دهد، تحریم صرف که همراهی جامعه جهانی را نیز با خود داشته باشد، برای امریکا مطلوب‌ترین حالت خواهد بود. در حالی که ایران پا را از این هم فراتر بگذارد، بازهم امریکا ترجیح خواهد داد که با عملیات محدود ایران را وادار به عقب‌نشینی کند، بنابراین حالات ۲۷ و ۲۸ برای او ارجح خواهد بود. اما زمانی که ایران جنگ موشکی را آغاز کند، امریکا و تمام جهان با تمام قوا علیه ایران متحد خواهند شد و لذا جنگ تمام‌عیار برای او ارجح خواهد بود. هم‌چنین در هر گروه موافقت جامعه جهانی و

علی‌الخصوص شورای امنیت برای امریکا مطلوب‌تر خواهد بود. نگاره شماره (۱۲) استراتژی ترجیحی امریکا در هر حالت آورده شده است.

۳-۳-۳. اسرائیل

نقش اسرائیل در تغییر حالات، تغییر از حالت آسیب‌رسانی به جنگ است. به نظر می‌رسد به غیر از حالتی که ایران حمله موشکی و همه‌جانبه علیه اسرائیل را آغاز کند در تمام حالات، حالت کم‌هزینه‌تر برای اسرائیل مطلوب‌تر باشد و لذا ترجیحات این رژیم نیز به شکلی است که در نگاره شماره (۱۲) اشاره شده است. به بیان دیگر، برای اسرائیل شرکت نکردن در جنگ تمام‌عیار همواره مطلوب‌تر است؛ چراکه جنگ تمام‌عیار به معنای درگیر شدن با حمله موشکی ایران و احتمالاً درگیری با حزب‌الله و حماس به صورت توأم خواهد بود و با توجه به محدودیت سرزمینی و جمعیتی، این کشور به شدت در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

۳-۳-۴. شورای امنیت (با محوریت روسیه و چین)

در مورد شورای امنیت پیش‌از این توضیحات کافی در مورد نحوه انتخاب حالات ذکر شده است. تنها ذکر این نکته لازم است که به نظر می‌رسد در مورد حالاتی که هر دو حالت مخالفت و موافقت شورا ممکن به نظر می‌رسد (پیش‌از این گفتیم که موضع شورا با توجه به سابقه تاریخی آن در بسیاری حالات مشخص است و شکی در مورد آن وجود ندارد). به نظر می‌رسد با توجه به سابقه این شورا که همواره مشی ملایم‌تری نسبت به غرب داشته است و همچنین دخالت روسیه و چین حالت مخالفت با غرب برای اقدام شدیدتر برای آن ارجح باشد. همچنین اینکه به‌طور ویژه محتمل است روسیه موضع‌گیری مخالف در موضوع برنامه هسته‌ای ایران را به ابزاری جهت رویارویی با غرب به دلیل مسائل موجود در اوکراین و سوریه بدل کند، لذا در نگاره شماره (۱۲) اولویت‌ها به شکلی که مشاهده می‌شود، نمود پیدا خواهد کرد.

۳-۴-۴. تحلیل سناریو

۳-۴-۱. حفظ ترجیحات بازیگران

اگر بخواهیم اوضاع سال ۲۰۱۳ را به‌عنوان نقطه شروع در نظر بگیریم، باید بگوییم که ایران در وضعیت ۱۱ قرار دارد. در این وضعیت امریکا و غرب تحریم‌های ایران را تشدید کرده‌اند و ایران نیز علاوه بر افزایش فعالیت‌های هسته‌ای خود، به تقویت مواضع مخالفان امریکا پرداخته است؛ علاوه بر این که شورای امنیت نیز با غرب در زمینه تحریم‌های شدید موافق است. اسرائیل نیز تنها به فعالیت‌های محدود برای ضربه زدن به رژیم ایران می‌پردازد که ترور دانشمندان هسته‌ای ایران نمونه‌ای از این فعالیت‌ها است (Kemp & Allen Gay, 2013, p.267).

همان‌طور که در جداول ترجیحات دیده می‌شود، در نقطه ۱۱ هیچ‌کدام از بازیگران برای این حالت جایگزینی ندارند و در نتیجه وضعیت به همین شکل باقی خواهد ماند. در این حالت برخلاف تحلیل سال ۲۰۰۶ که مشخصاً پایان این منازعه با جنگ طرفین را نشان می‌داد، به دنبال تغییر اولویت‌های طرف‌های درگیر منازعه و ورود بازیگران جدید، عملاً بازی به سمتی رفته است که پایان بازی به گونه دیگری رقم خواهد خورد. در نهایت با حفظ اولویت‌ها به همین شکل، عملاً ایران تحت تحریم‌های شدید قرار خواهد گرفت و شرایط سخت‌تری را متحمل خواهد شد و نیز به گسترش فعالیت‌های هسته‌ای خود خواهد پرداخت. این دقیقاً نقطه تعادلی بود که تا روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید ایران در اواسط سال ۲۰۱۳ وجود داشت.

۳-۴-۲. تغییر در ترجیحات ایران

از چند زاویه می‌توان گفت که نقطه ۱۱ نمی‌توانسته یک شرایط دائم تعادلی باشد و احتمال تغییر در ترجیحات ایران وجود داشته است. از جمله می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱- فشار تحریم‌ها بر ملت و دولت ایران به‌صورت توأم (باید دقت داشت که وضعیت مردم ایران با مردم کوبا یا کره‌شمالی متفاوت است؛ چراکه در ایران مردم درک نسبی از مقوله رفاه داشته‌اند).

۲- تغییرات درونی افکار در نظام اسلامی ایران بعد از به وجود آمدن تجربیات جدید و درک ابعاد بسیار پیچیده ناشی از تحریم، با روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید در ایران در آگوست ۲۰۱۳ و تغییر تیم مذاکره‌کننده، برای حصول توافق ایران عملاً ترجیحات خود را تغییر داد به طوری که در توافق ژنو در نوامبر ۲۰۱۳ و حصول برنامه جامع اقدام مشترک، ایران مقداری عقب‌نشینی کرد و در ازای آن برخی تحریم‌ها برداشته و مقداری از سرمایه‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شد (نگاره شماره ۱). در این حالت بود که بازی وارد نقطه تعادل ۳۹ شد. این آغاز مسیر جدیدی در منازعه هسته‌ای ایران بود. با این تفاوت که باز هم بازیگران و استراتژی‌ها دست‌خوش تغییر شدند و در نقطه تعادل غیر پایداری قرار گرفتند. در بخش چهارم این مقاله در زمین بازی جدید، به تحلیل منازعه هسته‌ای ایران خواهیم پرداخت.

۴. تحلیل منازعه هسته‌ای ایران - ۲۰۱۵

۴-۱. تعیین بازیگران و استراتژی‌ها

در آگوست ۲۰۱۳، سکان دولت جمهوری اسلامی ایران در اختیار دکتر حسن روحانی قرار گرفت. دکتر روحانی که خود اولین مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران در فاصله سال‌های

۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ بود، با رویکردی جدید به منازعه هسته‌ای ایران ورود پیدا کرد. رویکردی که علاوه بر متأثر بودن از خط مشی دولت جدید مبنی بر تعامل سازنده با جهان، ناشی از تجربه ۱۰ ساله تعامل ایران و قدرت‌های جهانی بر سر موضوع هسته‌ای و نیز روشن شدن ابعاد پیچیده موضوع بود.

در سال ۲۰۰۶ و جدی‌تر شدن موضوع ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و نیز اعلام امریکا برای مذاکره مستقیم، ایران برای بازکردن زمین بازی و نیز استفاده از ظرفیت‌های چین و روسیه، پیشنهاد پیوستن این دو کشور را نیز به مذاکرات داد. اما ادامه روند مذاکرات و تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت یکی پس از دیگری بدون وتو شدن توسط چین یا روسیه نشان داد که این استراتژی کارآمد نبوده است.

در سال ۲۰۱۳، ولی نصر مشاور ارشد ریچارد هولبروک (نماینده ویژه اوباما در امور خاورمیانه)، در بخش‌هایی از کتاب خود در مورد اینکه چگونه اوباما توانست چین و روسیه را در تحریم‌های شدید علیه ایران بسیج کند، دست به افشاجاری زد. وی در کتاب خود تصریح کرده که دولت امریکا چه مجموعه اقدامات و امتیازهایی را به طرف‌های چینی و روسی خود داده است تا آنها را با خود همراه کند. امریکا از یک‌سو با مجاب کردن عربستان به بستن قرارداد طولانی مدت فروش نفت ارزان به چین، این کشور را با خود همراه می‌کند و از سوی دیگر با دادن مجموعه‌ای از امتیازات نظیر مانع‌تراشی برای احداث خط لوله گاز قطر-ترکیه با هدف وابسته ماندن اروپا به گاز روسیه، توقف ادعا در مورد وضعیت حقوق بشر و دموکراسی در روسیه، رها کردن موضوع توسعه ناتو به سمت شرق (کشورهای همسایه غربی روسیه)، عدم پیگیری موضوع احداث سپر موشکی در لهستان و چک و خیانت به گرجستان در موضوع استقلال اوستیای جنوبی، نظر روسیه را برای رأی موافق به تحریم ایران تأمین می‌کند (Nasr, 2013, pp.169-174). در واقع چین و روسیه با در نظر گرفتن منافع خود، در زمین بازی حریف اصلی ایران یعنی امریکا قرار گرفتند و این موضوع با گذر زمان، اقدامات آن دو کشور و نیز انتشار اطلاعاتی از این دست آشکار شد.

رئیس‌جمهور جدید ایران در یکی از گفت‌وگوهای قبل از انتخابات خود به این موضوع اشاره می‌کند. وی تصریح می‌کند که کشورهای دیگر به دنبال اجازه از امریکا هستند و لذا مذاکره مستقیم با امریکا راحت‌تر است. همچنین اعلام می‌دارد که دولت باید رابطه ایران و امریکا را از حالت تخاصم به تنش که یک مرحله پایین‌تر است برساند (روحانی، ۱۳۹۲).

از نقش چین و روسیه که بگذریم، حذف اسرائیل از بازی نیز به شیوه‌ای دیگر اتفاق افتاد. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، اسرائیل در راستای اقدامات تخریبی خود، پنج دانشمند هسته‌ای ایران

را ترور کرد. همچنین در سال ۲۰۱۰ سایت ایرانی نطنز را به ویروس استاکسنت آلوده کرد. ویروسی که بعدتر فاش شد اسرائیل آن را قبلاً در مرکز هسته‌های دیمونا بر روی سانتریفیوژهای مشابهی که در ایران از آنها در تأسیسات غنی‌سازی نطنز استفاده می‌شود، آزمایش کرده است (Broad et al, 2011). از اوت ۲۰۱۰ نیز مجموعه حملاتی توسط بدافزاری به نام شعله به سیستم‌های هسته‌های ایران گزارش شد که بعدتر نیز فاش شد که بدافزار مذکور حاصل همکاری اسرائیل و امریکا بوده است (Nakashima et al, 2012). اما بعد از این ترورها و خرابکاری‌ها با افزایش قدرت ایران در مبارزه با حملات نرم‌افزاری و نیز حفاظت‌های فیزیکی از دانشمندان خود، علاوه بر ناکامی اسرائیل در اقدام جدی علیه برنامه هسته‌های ایران، از سال ۲۰۱۳ به بعد این کشور به سمت انزوای بیشتر در جهان فرو رفت. اقدامات وحشیانه در آخرین نبرد علیه غزه در سال ۲۰۱۴، سیلی از مخالفت‌ها را علیه این کشور برانگیخت. انتشار اسناد محرمانه متعلق به موساد نشان داد که ادعاهای دولت اسرائیل در مورد غیرصلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌های ایران و تولید بمب اتمی کذب محض است (Milne et al, 2015). انزوای اسرائیل تا آنجا پیش رفت که کاخ سفید در سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امریکا که با دعوت کنگره از وی صورت پذیرفته بود، برنامه‌ای برای دیدار با نتانیاهاو تنظیم نکرد و رئیس‌جمهور امریکا از سخنان ضدایرانی وی در کنگره انتقاد کرد. همچنین سخنرانی وی در کنگره موجی از اعتراض‌ها را درون جامعه امریکا علیه مواضع اسرائیل برانگیخت (Williams and Spetalnick, 2015). این انزوا چنان شدید بود که رقیب انتخاباتی نتانیاهاو از حزب کارگر در سال ۲۰۱۵، اعلام کرد که نتانیاهاو تنها و اسرائیل منزوی شده است (Hoffman and Lazaroff, 2015).

با ذکر این مقدمه، بازی دوباره در زمین بازیگران اصلی خود در جریان قرارمی‌گیرد. یعنی ایران و امریکا آن‌گونه که در قابل مشاهده است، مشابه دفعه قبل می‌توانند در ۱۲ حالت مقابل هم قرارگیرند. در این جدول تحریم = ۱ به معنی حفظ تحریم‌های موجود و احياناً افزایش‌های مقذور در تحریم‌ها و تحریم = ۰ به معنی حذف تحریم‌های مربوط به مناقشه هسته‌ای است. خصوصاً با توجه به اینکه رهبری ایران بارها تصریح کرده است که جمهوری اسلامی حالت حذف تدریجی تحریم‌ها را نمی‌پذیرد، وجود یک حالت بینابینی که بخشی از تحریم‌ها حذف شوند ناممکن به نظر می‌رسد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). همچنین در این جدول توسعه = ۰ و همزمان تعدیل = ۰ به معنی حفظ وضع موجود و ۱ بودن هرکدام به ترتیب به معنی توسعه بیشتر ظرفیت‌های هسته‌ای ایران و یا تعدیل ظرفیت‌های هسته‌ای ایران خواهد بود. لازم به ذکر است که منظور از تعدیل در این جدول، کلیه تغییراتی است که از سمت کشورهای غربی در صنعت هسته‌ای ایران درخواست شده است و در بیانیه سوئیس مورد پذیرش ایران

قرار گرفته است. اما فارغ از این تعاریف، به نظر می‌رسد که این بار اوضاع متفاوت است و ایران و امریکا در اولویت‌های خود تغییرات زیادی داده‌اند و اصولاً پاره‌ای از حالات در این مقطع امکان رخ دادن ندارند. این حالات به ترتیب عبارت‌اند از:

- حالات حمله بدون تحریم (۱، ۵ و ۹): تجربیات ۱۰ ساله اخیر نشان داده که دموکرات‌ها بدون ایجاد اجماع جهانی و گذر از مرحله تحریم‌های بسیار شدید، دست به رویارویی مستقیم نخواهند زد، در حالی که در بخش دوم این مقاله تشریح شد که در گذشته (۲۰۰۶) بدون این‌که وضع تحریم‌ها حداقل با شدت فعلی صورت گیرد، حمله یکی از دستورکارها بوده است.
- حالت حمله، تحریم و تعدیل: همان‌طور که در این ۱۰ سال مشخص شد، در صورتی که مقرر باشد فشارها به معنای همه‌جانبه افزایش یابد، ایران از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهد کرد.

نگاره شماره (۱۳) - حالات مختلف بازی با اتخاذ استراتژی‌های مختلف توسط ایران و امریکا (۲۰۱۵)

حالات		نتایج										
حمله تحریم	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰
تعدیل توسعه بیشتر	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰
	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عنوان حالت	حفظ وضعیت موجود	حمله و واکنش	تحریم و واکنش	تحریم، تعدیل و واکنش	انفعال	حمله و توقف	تحریم و توقف	تحریم، حمله و توقف	اجتناب و توسعه	حمله و توسعه	تحریم و توسعه	تحریم، حمله و توسعه
	شماره حالت	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۴-۲. ترجیحات بازیگران و استراتژی‌های جایگزین

هرکدام از دو بازیگر می‌توانند استراتژی خود را برحسب منافع مرتب کنند، زیرا از بین هر دو حالت یکی از آنها نسبت به دیگری مطلوب‌تر است. در مورد امریکا می‌توان گفت که کماکان رویکرد کلی این کشور تعدیل و پیش از این تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حتی به قیمت جنگ تمام‌عیار است و هنوز هم در آخرین اظهارنظرهای رسمی مقامات این کشور، از موجود بودن تمام گزینه‌ها بر روی میز صحبت می‌شود (Lazaroff, 2015). لذا می‌توان گفت که اکنون نیز به‌طور کلی تمام حالات تعدیل فعالیت‌های هسته‌ای ایران نسبت به عدم تغییر و نیز عدم تغییر به تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ترجیح دارد. بنابراین مشابه بخش ۲، ترجیحات امریکا در

سه گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند نگاره شماره (۱۴)، اما واقعیت این است که ترجیحات امریکا در داخل هر کدام از این گروه‌ها نسبت به سال ۲۰۰۶ تغییراتی یافته است:

نگاره شماره (۱۴) - ترتیب اولویت‌های امریکا (۲۰۱۵)

گروه اول (توقف ایران)		گروه دوم (عدم تغییر در ایران)				گروه سوم (توسعه ایران)		
۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۹	اولویت
۴	۶	۲	۰	۳	۱۰	۱۱	۸	حالت

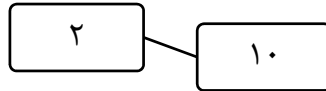
- با توجه به مقدمه این بخش، چهار حالت (در مقایسه با جدول ۶ در بخش ۲) حذف شده‌اند.
- همان‌طور که بیان شد، اعداد هر گروه بر گروه بعدی اولویت دارد.
- در گروه اول مشخصاً توقف ایران بدون پرداخت هرگونه هزینه توسط امریکا مطلوب‌ترین حالت ممکن است. بنابراین $۴ < ۶$ ؛
- در گروه دوم با توجه به ادعاهای امریکا که نمود عملی آن را هم در این ۱۰ ساله دیده‌ایم، امریکا هرگز در مقابل حفظ وضع موجود صنایع هسته‌ای ایران بدون واکنش نخواهد بود، اما با این حال دموکرات‌ها با وجود حفظ وضعیت صنعت هسته‌ای ایران و حتی رشد آن در سال‌های پایانی دهه هشتاد شمسی، در این سال‌ها هم حاضر به پذیرش هزینه سنگین جنگ با ایران نشدند، بنابراین می‌توان گفت که اولویت‌ها در این گروه به این شرح هستند: $۲ < ۳$ ؛
- اما در گروه سوم طبعاً عدم واکنش در برابر رشد صنایع هسته‌ای ایران به همان سیاق که در بند قبل ذکر شد، آخرین اولویت امریکا است، ولی با این وجود همان‌طور که ذکر تحریم صرف بر حمله و تحریم اولویت داشته است. این موضوع را به صورت عملی از سال‌های پیش تا امروز مشاهده می‌کنیم، بنابراین ترتیب اولویت‌ها در این گروه هم به صورت $۱۰ < ۱۱ < ۸$ خواهد بود.
- بنابر موارد ذکر شده، ترتیب اولویت‌های امریکا به شکل مقابل خواهد بود: $۸ < ۰ < ۴ < ۲ < ۱۰ < ۱۱ < ۶ < ۷$. اما طبعاً از دید ایران موضوع متفاوت است و اولویت‌بندی این کشور با در نظر گرفتن موارد زیر باید تعیین شود:
- همان‌طور که در بخش ۲ در تحلیل منازعه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶ ذکر شد، کلام رهبر ایران در مورد اولویت‌ها اصلی‌ترین موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد، اما از آنجا که حمایت از دولت و تیم مذاکره‌کننده در دولت جدید بارها مورد تأیید ایشان قرار گرفته است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴)، اولویت‌هایی که از مذاکرات و اظهارات این تیم استخراج می‌شوند، در این تحلیل به کار گرفته شده‌اند.

- مشخصاً در این جدول، کماکان بهترین حالت برای ایران حالت ۸ است که امریکا از دخالت در این موضوع دست بردارد و ایران به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود بپردازد.
 - همچنین دیدیم که در دوره اخیر، ایران عملاً توسعه فعالیت‌هایی را که به قیمت تحریم‌های فعلی و یا بدتر از آن جنگ تمام شود را در اولویت آخر خود قرار داده است، در واقع اینکه در مذاکرات ایران دنبال تعدیل و عدم تحریم است، یعنی این موضوع بر جنگ و تحریم اولویت دارد. بنابراین حالات ۰ و ۲ و ۴ در اولویت بالاتری نسبت به حالات ۱۰ و ۱۱ قرار گرفته‌اند.
 - در عین حال حالات ۶ و ۷ که در آن امریکا دست به اقداماتی بزند و ایران همزمان تعدیل برنامه هسته‌ای خود را داشته باشد، کاملاً غیرقابل قبول است و حتی بعد از حالات ۱۰ و ۱۱ قرار می‌گیرد.
 - اما در مورد سه حالت باقی مانده، مشخصاً حالت ۰ برای ایران نسبت به این‌که با عملکرد مشابه مورد تحریم قرار گیرد، اولویت دارد.
 - براساس مذاکراتی که در جریان است، حالت ۴ بر تمامی حالاتی که جنگ و تحریم در آنها وجود داشته باشد، حتی با حفظ شرایط موجود، اولویت دارد.
- لذا ترتیب اولویت‌های ایران به شکل مقابل خواهد بود: $۸ < ۰ < ۴ < ۲ < ۱۰ < ۱۱ < ۶ < ۷$.

۳-۴. نقطه تعادل و تحلیل نتیجه

همان‌طور که پیش از این هم توضیح داده شد، برای یافتن نقطه تعادل بازی باید حالتی را بیابیم که در آن هیچ‌کدام از دو بازیگر یعنی ایران و امریکا انتخاب بهتری نداشته و به عبارت دیگر، تمایلی برای تغییر استراتژی خود نداشته باشند. برای این منظور باید از دید هرکدام از دو بازیگر به صحنه بازی نگاه کنیم. با پایان یافتن آخرین دور از مذاکرات و صدور بیانیه سوئیس، شاید بسیاری از صاحب‌نظران وقوع حالت ۴ را پیش‌بینی می‌نمایند. اما در این مقطع لازم است که تحلیل دقیق‌تری داشته باشیم. ابتدا براساس اولویت‌های ذکر شده در بخش قبل یک بار دیگر بازی را از نقطه فعلی یعنی نقطه ۲ به اجرا در می‌آوریم، مشابه دور قبل خطوطی که به سمت پایین می‌روند، جایگزینی اولویت توسط ایران و خطوطی که به سمت بالا می‌روند جایگزینی اولویت توسط امریکا را نشان می‌دهند (شکل ۲).

شکل شماره (۲) - استراتژی اتخاذ شده توسط هر بازیگر براساس اولویت و وضعیت فعلی (۲۰۱۵)



(خطوطی که به سمت پایین رفته‌اند اولویت جایگزینی ایران را نشان می‌دهند و خطوطی که به سمت بالا متمایل هستند اولویت جایگزینی امریکا را نشان می‌دهند.)

در کمال تعجب اگرچه حالت ۴ مطلوب‌ترین حالت برای کشور امریکاست و تنها یک حالت بهتر برای ایران متصور است، اما نقطه تعادل این بازی خیلی زود در نقطه ۱۰ رخ می‌دهد. همان‌طور که قابل مشاهده است، هیچ بازیگری نقطه جایگزین بهتری را که بتواند بازی را به آن تغییر دهد در اختیار ندارد. چراکه برای ایران در حالتی که تحریم و جنگ وجود نداشته باشد، مطلوبیت واقعی در افزایش ظرفیت‌های هسته‌ای است، لذا در حالتی که مطلوبیت‌ها را در نظر بگیریم، ایران باید به سرعت بازی را به حالت ۱۰ ببرد و با توجه به مطلوبیت‌های امریکا بازی در همین نقطه متوقف خواهد ماند (مشابه آنچه در اواسط سال ۲۰۱۴ برای مدتی در جریان بود) اما در توافقی که در حال انجام است، در حالی که مطلوبیت امریکا حداکثر می‌شود، مطلوبیت کشور ایران تحت فشارهای شدید حداکثر نمی‌شود، لذا این نقطه تعادل یک نقطه تعادل ناپایدار است که به سرعت می‌تواند به نقطه ۱۰ بازگردد.

لذا همان‌طور که در سخنرانی پس از این توافق اخیر از سوی رئیس‌جمهور امریکا شاهد بودیم، مسئولیت‌هایی که توسط ایران پذیرفته می‌شود بیشتر خواهد بود. ضمن این که به هر حال با اندک تغییری در سیاست‌های امریکا حتی در دولت فعلی جمهوری اسلامی ایران، توافق صورت گرفته هنوز آغاز نشده به سرعت به نقطه قبل بازخواهد گشت. به هر حال نتیجه‌گیری نهایی این است که به نظر می‌رسد در مقطع فعلی براساس نظریه بازی‌ها ما شاهد یک توافق بسیار ناپایدار هستیم که باید منتظر ماند و مشاهده کرد که در صورت نهایی و اجرایی شدن تا چه میزان ادامه خواهد یافت.

اما سؤال اینجا است که در صورت عدم حصول توافق، سناریوهای احتمالی ایران و امریکا چه خواهد بود؟ باید در نظر داشت که عوامل متعددی در زمان و سرعت محقق شدن سناریوهای ایران و امریکا تأثیرگذار است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توان ایران برای بازگشت به سطح فعالیت هسته‌ای قبلی با سرعت بالا: یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سناریوهای ایران و امریکا، سرعت ایران در رسیدن به سطح

فعالیت قبل از توافق ژنو است (از نظر حجم اورانیوم، سطح و میزان غنی‌سازی). تاکنون هیچ زمان مشخصی از سوی مقامات رسمی ایران مبنی بر مدت زمانی که طول می‌کشد تا ایران در صورت شکست مذاکرات مجدد فعالیت‌های هسته‌ای خود را به سطح قبل و حتی بیش از آن برساند اعلام نشده است.

۲. ظرفیت‌های منطقه‌ای موجود و جدید ایران و تحولات منطقه: سیل تحولات منطقه خاورمیانه ایران را در موقعیت خاصی قرار داده است که می‌تواند از مجموعه تحولات به سود خود بهره برد. علاوه بر ظرفیت‌های موجود ایران در سوریه، فلسطین و لبنان که قبلاً به آن پرداخته شد، ظهور گروه تروریستی داعش در عراق باعث شد که ایران علاوه بر نقش مستشاری برای دولت و گروه‌های مردمی عراق در مبارزه با داعش، عملیات نظامی نیز در این کشور انجام دهد. از سوی دیگر قدرت گرفتن حوثی‌ها در یمن نیز به عنوان گروه شیعه نزدیک به ایران، ظرفیت جدیدی در این کشور برای ایران ایجاد کرده است. قدرت و وسعت ظرفیت‌های منطقه‌ای عامل دیگر تأثیرگذار بر سناریوهای ایران و آمریکا است.

۳. کارکرد تحریم‌های موجود و اجماع در وضع تحریم‌های جدید: با توجه به مجموعه اقدامات ایران در طول مذاکرات اخیر با گروه ۵+۱، مشخص نیست که در صورت عدم حصول توافق نهایی و بازگشت ایران به نقطه قبل، آمریکا همچون گذشته توان ایجاد توافقی جهانی برای ادامه وضع تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران را داشته باشد یا خیر. همچنین با توجه به شکسته شدن ساختار تحریم‌ها، اینکه کارکرد تحریم‌های تعلیق شده و یا موجود فعلی چه میزان خواهد بود، پارامتر دیگر تعیین‌کننده در سناریوهای ایران و آمریکا است. پارامتری که کاهش آن سناریوی توسعه و تشدید فعالیت هسته‌ای را برای ایران و سناریوی حمله برای آمریکا را تقویت می‌کند.

۴. تنش‌های موجود بین اعضای ۵+۱: از ابتدای مذاکرات دولت جدید در ایران تاکنون بارها شاهد شکاف میان اعضای گروه ۵+۱ بوده‌ایم. به‌گونه‌ای که در برخی موارد این اعضا برای یکسان‌سازی مواضع خود در برابر ایران، نشست‌های جداگانه‌ای را برگزار کرده‌اند. عدم حصول توافق به ویژه در حالتی که اختلاف بر سر مواردی باشد که اجماع اعضای گروه ۵+۱ در آن وجود ندارد، تأثیر به‌سزایی در سناریوهای طرفین به ویژه ایران خواهد گذاشت. تنش‌های اعضای گروه ۵+۱ و به طور خاص طرف‌های شرقی و غربی آن می‌تواند متأثر از سایر موضوعات نیز باشد. مانند افزایش تنش روسیه و غرب درباره کشور اوکراین که می‌تواند منجر به همراهی روسیه با ایران در حالت بازگشت به وضعیت قبلی شود.

۵. تغییر یافتن ساختار اقتصادی با توجه به تجربه چند ساله تحریم‌ها: از وضع آخرین و شدیدترین قطعنامه شورای امنیت حدود پنج سال می‌گذرد. تجربه جمهوری اسلامی ایران در این پنج سال، اقتصاد این کشور را به سمتی سوق داده که برای حداقل کردن آثار منفی ناشی از چنین تحریم‌هایی برنامه‌ریزی کند و حتی این تهدید را به فرصت تبدیل کند. ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در این دوره از جانب رهبری ایران، از جمله اقدامات برای برون‌رفت از چالش‌های ناشی از تحریم بوده است. اینکه ایران چقدر در تغییر ساختار اقتصاد خود با هدف حداقل کردن آثار تحریمی موفق بوده و خواهد بود، در شکل‌دهی سناریوهای ایران اثرگذار است.

۶. جایگاه اقتصادی امریکا در جامعه جهانی در سال‌های آینده: در سناریوهای احتمالی امریکا، وضعیت اقتصادی فعلی و آتی این کشور اثرگذار خواهد بود. کاهش رشد اقتصادی امریکا (مطابق با برخی پیش‌بینی‌ها)، احتمال سناریوی حمله را بسیار کاهش می‌دهد.

۷. تغییر در دولت‌های طرفین منازعه: در هر دو کشور ایران و امریکا دستیابی به توافق، موافقان و مخالفانی دارد. در حال حاضر حضور اعتدال‌گرایان در دولت ایران و دموکرات‌ها در دولت امریکا مسیر مذاکرات را به سوی دستیابی به توافق پیش می‌برد. اما در صورت قدرت گرفتن جمهوری خواهان در امریکا و یا مخالفان این مسیر در ایران، احتمال خروج از نقطه تعادل فعلی افزایش می‌یابد.

با توجه به عواملی که اشاره شد و وابسته به شدت و ضعف آنها، به نظر می‌رسد که اقدامات متقابلی که صورت خواهد گرفت، برای طرفین به شرح زیر باشد:

ایران:

- توسعه مجدد فعالیت‌های هسته‌ای؛
- استفاده از گروه‌های غیرایرانی و منطقه‌ای برای ضربه زدن به منافع امریکا؛
- عدول ایران از NPT؛
- توسعه سلاح هسته‌ای.

امریکا:

- تلاش برای ایجاد اجماع مجدد جامعه جهانی علیه ایران؛
- اعمال تحریم‌های یک‌جانبه؛
- اقدامات تروریستی علیه ایران؛
- حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران.

اینکه چه ترکیبی از عوامل اشاره شده منجر به اتخاذ کدام سناریوها، با چه جزئیاتی و به چه میزان خواهد بود، موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد.

فرجام

در این مقاله نحوه استفاده از نظریه بازی‌ها برای تحلیل تعارضات، با معرفی مختصری از مبانی این نظریه و استفاده از آن در تحلیل منازعه هسته‌ای ایران تشریح شد. نکته اساسی‌ای که مدنظر قرارگرفت این بود که اگرچه تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های برآمده از این نوع پرداختن به مسائل براساس ساده‌سازی و مدل‌سازی صورت می‌گیرد، اما نمی‌توان آنها را بی‌اهمیت انگاشت. از همین‌روی به نظر می‌رسد که در تحلیل منازعه ایران و امریکا با محوریت برنامه هسته‌ای که بیش از ۱۳ سال است که به یکی از موضوعات مطرح جهانی تبدیل شده است، بتوان از این ابزار کمک گرفت.

درواقع موضوع برنامه هسته‌ای ایران آغازگر بازی‌ای شده است که در آن دو بازیگر عمده یعنی ایران و در مقابل آن غرب به رهبری امریکا نقش بازی می‌کنند. تحلیل این بازی با استفاده از نظریه بازی‌ها در سال ۲۰۰۶، جنگ را پایانی بر آن قلمداد می‌نمود. موضوعی که شواهد اشاره شده در بخش دوم، حکایت از به وقوع پیوستن آن داشته است. اما بنا به دلایل متعدد نظیر شکست اسرائیل در مقابل حزب‌الله لبنان و سایر مواردی که در این پژوهش اشاره شد، نتیجه مذکور حاصل نشد. گرچه این توقف به معنای پایان بازی نبود و با عوض شدن اولویت‌های طرفین، بازی به شکل دیگری درآمد. در ادامه و در اواخر دهه اول قرن ۲۱، علاوه بر موضوع تغییر اولویت در رفتار امریکا به عنوان بازیگر اصلی مقابل ایران، بازیگران جدیدی نیز به درخواست ایران به بازی وارد شدند. روسیه و چین که در مواردی راهی به‌جز راه پیشنهادی امریکا را در پیش گرفته‌اند و دیگری اسرائیل بود که حتی امکان ورود به جنگ با ایران به‌تنهایی و بدون کمک امریکا را مطرح کرده بود.

در این شرایط بازم تحلیل بازی البته به شکل پیچیده‌تر به کمک نظریه بازی‌ها مقدور بوده است. براساس استراتژی‌های قابل اتخاذ توسط هریک از بازیگران، تمام حالات مقدور که در نگاره شماره (۱۱) نمایش داده شد، براساس شماره حالات، اولویت‌های هریک از بازیگران نیز مشخص شد و براساس این اولویت‌ها تحلیل شد که وضعیت حاکم بر ایران تا انتخاب ریاست جمهوری جدید، تکمیل و گسترش فرایند هسته‌ای بوده است. در این شرایط امریکا و غرب نیز تحریم‌های ایران را تشدید کردند و روسیه و چین نیز در لوای شورای امنیت با این تحریم‌ها همراهی نمود. اسرائیل نیز به فعالیت‌های خرابکارانه خود ادامه داده است.

اما پس از روی کار آمدن دولت جدید در سال ۲۰۱۳، تغییر در رویکرد و ترجیحات ایران و براساس تجربه ۱۰ ساله ایران در مذاکرات و سایر تحولات، بازی دوباره به زمین ایران و امریکا بازگشت. توافق ژنو حاصل شد و ایران براساس برنامه جامع اقدام مشترک محدودیت‌هایی را پذیرفت و در مقابل نیز غرب به آزادسازی دارایی‌ها و کاهش برخی تحریم‌ها پرداخت. در این شرایط مسیر مذاکرات تا رسیدن به توافق جامع میان ایران و غرب همچنان ادامه دارد. اما حصول چنین نقطه‌ای، طرفین را در یک نقطه تعادل ناپایدار قرار می‌دهد. تعادل ناپایداری که وابسته به قدرت و ضعف عواملی که به آن پرداخته شد، سناریوهای احتمالی ایران و امریکا را شکل می‌دهد.

به نظر نویسندگان، پایدارتر شدن این نقطه تعادل در گرو پرداختن به موضوعات زیر است:

۱. حرکت در راستای منافع مشترک: مجموعه تحولات جدیدی که در منطقه و جهان صورت پذیرفته است، علی‌رغم انتظارات، ایران و غرب به ویژه امریکا را در برخی حوزه‌ها دارای منافع مشترک کرده است. قدرت گرفتن گروه تروریستی داعش در عراق و مبارزه نظامی ایران، دولت و نیروهای مردمی عراق و نیروهای ائتلاف غرب علیه آنها یکی از چندین حوزه مشترک منافع ایران و دیگر قدرت‌های جهانی است. گرچه مبنای سیاسی و عقیدتی این منافع کاملاً متفاوت است، اما در دایره عملیات منجر به برخوردهای مشابه می‌شود. این موضوع تا حدی جدی است که مقامات طرفین نیز به آن اذعان دارند. تأکید روی این منافع و پرداختن به آن می‌تواند در پایدارسازی نقطه تعادل نقش داشته باشد.

۲. حل و فصل منازعات در سایر حوزه‌های اختلافی: جنگ سوریه، جنگ یمن، حقوق بشر، توسعه موشکی ایران، حمایت از اسرائیل و... سایر حوزه‌های اختلافی طرفین هستند و در صورتی که منازعات طرفین در هریک از آنها افزایش یابد، ممکن است اثرات جدی‌ای بر روند توافقات صورت گرفته گذارد. لذا برای جلوگیری از این اثرگذاری لازم است که تلاش شود منازعات موجود حل و فصل شوند.

۳. افزایش ارتباطات ایران با جامعه جهانی و ایجاد پیوندهای استراتژیک اقتصادی و سیاسی: به طور کلی هر میزان که ایران بتواند در بهبود ارتباطات خود با جامعه جهانی و ایجاد پیوندهای عمیق استراتژیک تلاش کند، در زمان بروز اختلافات با امریکا امکان جلوگیری از اجماع علیه ایران افزایش خواهد یافت؛ به گونه‌ای که تهدید و فشار بر ایران عملاً تهدید منافع مشترک بسیاری دیگر از کشورهای جهان باشد.

۴. افزایش پیوندهای تکنولوژیکی: یکی از موضوعاتی که در بیانیه سوئیس نیز به آن اشاره شد، همکاری بین‌المللی با ایران در حوزه‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای است. همچنین اینکه

رآکتور تحقیقاتی پیشرفته آب سنگین در اراک با همکاری مشترک بین‌المللی بازطراحی و نوسازی می‌شود و نیز ایران در همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز مشارکت خواهد کرد (شامل ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، رآکتورهای تحقیقاتی و ایمنی و امنیت هسته‌ای)، برقراری چنین پیوندهای تکنولوژیک در موضوع انرژی هسته‌ای و سایر حوزه‌ها در صورتی که صرفاً یک‌طرفه و انتقال تکنولوژی نباشد، در تعادل نقطه پایدار، اثر مثبت خواهد گذاشت.

۵. پرهیز از اقدامات حساسیت برانگیز: یکی دیگر از عوامل برای پایداری نقطه تعادل، پرهیز از اقدامات تنش‌آفرین و به‌ویژه طرح موضوعاتی است که وجهه حقوقی ندارد، اما در افکار عمومی تأثیرگذار است. اظهارنظرهای رسمی که گاهی از آن به عنوان موضوعاتی که تنها مصرف داخلی دارد یاد می‌شود، تحریک افکار عمومی با چنین تنش‌آفرینی‌هایی منجر به تحریک مخالفان در هر دو طرف منازعه شده و در لایه تصمیم‌گیری و ایجاد تعادل پایدار نقش منفی خواهد داشت. نمونه این تنش‌آفرینی در جریان مذاکرات سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد که رئیس‌جمهوری ایران که در آن مقطع عهده‌دار مذاکرات با تروئیکای اروپایی بوده است، از آن به عنوان یکی از عوامل شکست مذاکرات یاد می‌کند.

۶. تلاش برای اشاعه NPT: به طور کلی یکی از اقدامات حساسیت برانگیز امریکا عدم اصرار به هم‌پیمان خود اسرائیل برای پیوستن به NPT و در مقابل تحت فشار قراردادن کشوری نظیر ایران است که به این معاهده پیوسته‌اند. این موضوع از جمله موضوعاتی است که هر دو طرف می‌توانند نسبت به آن اهتمام ویژه داشته باشند.

در انتها باید گفت منازعه ایران و امریکا با داشتن سابقه ۳۶ ساله که ۱۳ سال اخیر با محوریت برنامه هسته‌ای در جریان بوده است، حتی در صورت پایدار شدن تعادل در نقطه اشاره شده، پتانسیل برده شدن به نقاط دیگر را دارا است. بازی‌ای که ممکن است در سال‌های آتی با محور برنامه موشکی ایران، حقوق بشر در ایران، حمایت ایران از گروه‌هایی نظیر حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و حماس در فلسطین اشغالی و یا موضوعات دیگر مجدد آغاز شود و ابعاد پیچیده‌تری به خود گیرد. محورهایی که می‌تواند در پژوهش‌های مشابه مورد بررسی قرار گیرد.

پانوش

۱. این هزینه صرفاً هزینه مستقیم تحریم‌ها است و هزینه‌های غیرمستقیم نظیر افزایش قیمت نفت و تأثیرات بر سایر شاخص‌های اقتصادی در آن در نظر گرفته نشده است

منابع فارسی

اصل یکصد و ده، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰)، *خطبه‌های نماز جمعه ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۰ به امامت آیت‌الله خامنه‌ای*، بازیابی شده در تاریخ ۱۸

خرداد ۱۳۹۲، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، *بیانات در حرم مطهر رضوی در ۱ فروردین ۹۲*، بازیابی شده در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲،

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233>

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، *بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۲ آبان ۹۲*، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ تیر

۱۳۹۳، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24378>

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، *بیانات در دیدار مردم آذربایجان در ۲۸ بهمن ۹۲*، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۳، پایگاه

اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25363>

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۴)، *بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام*، بازیابی شده در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۴، از

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>

روحانی، حسن (۱۳۹۱)، *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت

نظام، چاپ اول.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، *امریکایی‌ها کدخدا هستند و با کدخدا بستن راحت‌تر است*، بازیابی شده در تاریخ ۲۳ فروردین

۱۳۹۴ از پایگاه خبری تحلیلی دیپلماسی ایرانی. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1916161>

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۷)، *برآورد احتمال حمله آمریکا به ایران در آخرین ماه حکومت بوش (موافقان و*

مخالفان)، تهران، دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ملکی، عباس (۱۳۹۱)، *آینده پژوهی و انرژی*، تهران، موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

موسویان، سیدحسین (۱۳۸۶)، *پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*، تهران، معاونت پژوهش‌های روابط

بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام.

میرحسینی، طیبه (۱۳۹۲/۹/۹)، *زیر سایه اختلافات داخلی، روزنامه شرق*، صفحه ۸.

نصرالله، سیدحسین (۱۳۹۰)، *سخنرانی سیدحسین نصرالله در سالگرد ولادت پیامبر(ص) و هفته وحدت - مقاومت*

اسلامی لبنان، بازیابی شده در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، از پایگاه اطلاع‌رسانی مقاومت اسلامی لبنان.

<http://www.moqawama.ir/?speech=901118>

منابع لاتین

- Brams, S. J. (2001)., Game theory and the Cuban missile crisis, *Math Plus*, 13.
- Broad, W., Markoff, J. and Sangerjan, D. (2011), *Israeli Tests on Worm Called Crucial in Iran Nuclear Delay*, Retrieved Apr 17, 2015 from The New York Times. http://www.nytimes.com/2011/01/16/world/middleeast/16stuxnet.html?_r=2.
- Bush, G. W. (2001)., *Joint session of Congress Speech on September 20, 2001*, Retrieved May 13, 2013 from The White House Online Archive. <http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2001/09/20010920-8.html>.
- Bush, G. W. (2010), *Decision points*, New York, Crown.
- Davenport, K. (2014)., *Chronology of Libya's Disarmament and Relations with the United States*, Retrieved Jul 12, 2014 from The Arms Control Association. <http://www.armscontrol.org/factsheets/LibyaChronology>.
- Earnest, J. (2015), *Press Briefing by Press Secretary Josh Earnest, 3/23/2015*, Retrieved Apr 11, 2015 from The White House | whitehouse.gov. <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2015/03/24/press-briefing-press-secretary-josh-earnest-3232015>
- EEAS (2014)., Joint Statement by EU High Representative Federica Mogherini and Iranian Foreign Minister Javad Zarif Switzerland, Retrieved Apr 11, 2015 from European External Action Service
- Erimtan, C. (2014)., *The New Cold War: Libya, Syria, and the Ukraine*, Retrieved Jun 05, 2014 from RT Network. <http://rt.com/op-edge/157704-new-cold-war-victims/>
- Fraser, N. M., Hipel, K. W., Jaworsky, J. & Zuljan, R. (1990)., A conflict analysis of the Armenian-Azerbaijani dispute, *Conflict Resolution*, 34, 652-677.
- Goel, N. (2011)., ANALYZING WAR THROUGH GAME THEORY, *The Woodland School Economics ISU*.
- Goodenough, P. (2013)., Obama: Eliminating Every 'Nut and Bolt' of Iran's Nuclear Program Not an Option, Retrieved Jul 04, 2014 from CBS News Agency. <http://cbsnews.com/news/article/patrick-goodenough/obama-eliminating-every-nut-and-bolt-iran-s-nuclear-program-not>.
- Hitchcock, M. (2013)., *Iran and Israel, Wars and Rumors of Wars*, California, Harvest House.
- Hoffman, G. and Lazaroff, T. (2015)., *Herzog: Netanyahu's Congress speech will boomerang on Israel*, Retrieved Apr 15, 2015 from The Jerusalem Post. <http://www.jpost.com/Israel-News/Opposition-slams-Netanyahus-chutzpa-after-speech-to-Congress-392813>.
http://eeas.europa.eu/statements-eeas/2015/150402_03_en.htm

- Irna (2013), *Full text of Iran-5+1 agreement in Geneva*, Retrieved June 04, 2014 from Irna News Agency: http://www.irna.ir/en/News/80918859/Politic/Full_text_of_Iran-5+1_agreement_in_Geneva
- Jakobsen, T. G. & Jakobsen, J. (2009), The Game: A Rational Actor Approach to the US-led Invasion of Iraq, 2003, *Strategic Analysis*, 33, 664–674.
- Kemp, G. & Allen Gay, J. (2013), *War With Iran: Political, Military and Economic Consequences*, Maryland, Rowman & Littlefield.
- Lazaroff, T. (2015), Obama adviser: Military option against Iran still on the table if deal falls through, Retrieved Apr 25, 2015 from The Jerusalem Post. <http://www.jpost.com/Middle-East/Obama-advisor-Military-option-against-Iran-still-on-the-table-396363>.
- Leslie, J. Marashi, R. & Parsi, T. (2013), *Losing Billions, The Cost of Iran Sanctions to the U.S. Econom*, Washington, National Iranian American Council.
- Madani, K., Rheinheimer, D., Elimam, L. & Connell-Buck, C. (2011), A game theory approach to understanding the Nile River basin conflict,” *A Water Resource*, 3253, 97–114.
- Milne, S. MacAskill, E. and Swishe, C. (2015), *Netanyahu’s Iran bomb claim contradicted by Mossad*, Retrieved Apr 16, 2015 from The Guardian. <http://www.theguardian.com/world/2015/feb/23/leaked-spy-cables-netanyahu-iran-bomb-mossad>.
- Mousavi, M. A. & Norouzi, Y. (2010), Iran-US Nuclear Standoff: A Game Theory Approach, *Iran Review of Foreign Affairs*, 1.
- Nahory, C., Gya, G. & Watanabe, M. (2010), *Subjects of UN Security Council Vetoes*, Retrieved May 12, 2013 from Global Policy Forum. <https://www.globalpolicy.org/component/content/article/102/40069.html>.
- Nakashima, E., Miller, G. and Tate, J. (2012), *U.S., Israel developed Flame computer virus to slow Iranian nuclear efforts, officials say*, Retrieved Apr 17, 2015 from The Washington Post. http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-israel-developed-computer-virus-to-slow-iranian-nuclear-efforts-officials-say/2012/06/19/gJQA6xBPoV_story.html.
- Nasr, V. (2013), *The Dispensable Nation, American Foreign Policy in Retreat*, New York, Random House, v3.1.
- Netanyahu, B. (2012), *We Don’t Need US Approval to Attack Iran*, Retrieved Jan 06, 2013 from CBS News Agency. <http://www.cbn.com/cbnnews/insideisrael/2012/March/Netanyahu-We-Dont-Need-US-Permission-to-Attack-Iran/>.
- NuclearEnergy.ir (2015), *Nuclear Proposal Timeline*, Retrieved Apr 14, 2015 from NuclearEnergy.ir. <http://nuclearenergy.ir/negotiations>

- Powell, R. (2003), Nuclear deterrence theory, nuclear proliferation, and national missile defense, *International Security*, 27, 86–118.
- Ross, S. (2012), *US Plan to Attack Iran with Nuclear Weapons, Devised Under Bush*, Retrieved May 12, 2013 from The Global Research. <http://www.globalresearch.ca/obama-prepares-protracted-afghanistan-occupation/5308984>.
- Schmidt, C. (1995), *Game Theory and Economic Analysis*, Dalloz.
- Security Council (2006), Security council demands Iran suspend uranium enrichment by 31 august, or face possible economic, diplomatic sanctions, *Security Council*, Resolution 1696.
- Security Council (2006), Security council impose sanctions on Iran for failure to halt uranium enrichment, *Security Council*, Resolution 1737.
- Somflavi, A. (2012), *Hezbollah attack more dangerous than Iran missiles*, Retrieved June 08, 2013 from Yedioth Ahronoth. <http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4265026,00.html>.
- Torbati, Y. and Grove, T. (2012), *Iran, world powers deadlocked at nuclear talks*, Retrieved Jan 07, 2013 from Reuters Website: <http://www.reuters.com/article/2012/06/19/us-iran-nuclear-talks-idUSBRE85H0C420120619>.
- United States National Intelligence Council (2012), *Global trends 2030 : alternative worlds*, Washington, Publication of national intelligence council.
- Williams, D. and Spetalnick, M. (2015), *Israel's Netanyahu draws rebuke from Obama over Iran speech to Congress*, Retrieved Apr 19, 2015 from Reuters. <http://www.reuters.com/article/2015/03/03/us-usa-israel-idUSKBN0LZ0BS20150303>.
- Williams, M. (2013), *Iran nuclear talks end with two sides 'far apart on substance'*, Retrieved May 12, 2013 from The Guardian Website: <http://www.theguardian.com/world/2013/apr/06/iran-nuclear-talks-almaty-kazakhstan>.
- Wright, R. B. (2010), *The Iran Primer: Power, Politics, and U. S. Policy*. Washington, US Institute of Peace Press.